

کمیسیون با اکثریت عین پیشنهاد وزیر را مطابق ماده ذیل رای میدهد

ماده - ماهی ۵ تومان سالیانه ۶۰ تومان دربارہ مادر پیر غلامحسین خان مجاهد مقتول مادام العیال برقرار میشود

نایب رئیس - رأی گرفته میشود - آقایانی که تصویب میکنند ملاحظه فرمایند که کمیسیون بودجه راپورت داده است و رفته سفید خواهند انداخت (اوراق رأی اخذ و آقای حاج میرزا رضا خان شماره نمود ورقه سفید علامت قبول ۵۸)

نایب رئیس - با اکثریت ۵۸ رأی تصویب شد - راپورت کمیسیون راجع بمحسن خان مجاهد خوانده میشود

(بمبارت ذیل قرائت شد)

لایحه وزارت مابہ راجع بمحسن خان مجاهد که در جزء مجاهدین که در جنگ بادمک کوله خورده قرائت گردیده وزارت مابیه پیشنهاد نموده بودند ماهی بیست تومان در حق محسن خان برقرار شود پس از مذاکرات لازمہ کمیسیون بودجه با اکثریت مانده ذیل را رأی داده پیشنهاد مجلس می نماید

ماده ۱- پانزده تومان سالیانه یکسصد و هشتاد تومان از هذالسنه تنگوریل مادام العیال دربارہ محسن خان مجاهد داده میشود

حاج آقا - بنده در آنماده هم که گذشت اجازه خواستم نشد عرض کنم حالا عرض میکنم باز هم عرض کرده ام ما در تصویب این راپورت ها که از کمیسیون بودجه می آید می بینیم که یک حق شناس بوده ایم و در همان ضمن حسن میکنیم که یک ظلم هم کردیم حق شناس میکنیم بالنسبه بکمیسه تصویب کرده ایم این چیز را در باره ورثه او یا خود او ولی ظلم میکنیم درباره اشخاصیکه یک وسیله نداشتند که بآن وسیله یک چیزی پیشنهاد مجلس شورای ملی شده باشد و از کمیسیون گذشته باشد و بمجلس آمده باشد رأی گرفته شود بواسطه اینکه دیده ام بسیاری از اشخاص را که واقعا مبتلا بوده اند و حق شناسی مجلس شورای ملی این بوده است که نسبت به آنها به حق شناسی بکنند و چندین مرتبه همه اظهار کرده ام که این ترتیبیکه ما پیش گرفته ایم ابدامفید نیست در ضمن این ظلم بدی هم کرده ایم یک حق را هم ادا نکرده ایم - بنده یگرتبه پیشنهاد کرده ام باز هم عرض میکنم خواست کمیسیون بودجه بکوقت نظری در این مطلب بکنند یعنی پیشنهاد کند و اخبار کند بر وزارت مالیه که آن کسانیکه خودشان هستند و گرفتار و مبتلا هستند و آن کسانیکه ورثه شان هستند و از با افتاده اند و در راه حریت و آزادی خدمت کردند تمام اینها را جمع کنند یک ترتیبی و یک پیشنهاد کلی بمجلس شورای ملی بکنند و مجلس شورای ملی هم یک مرتبه یک قرار کلی در اینخصوص بنده و از این ترتیب خلاص شده باشد و هر روز این اسباب زحمت نباشد این مطلب را که بنده عرض کردم گفته شد که یک کمیسیون بودجه در مجلس است و مخصوص اینگونه مطالب است بنده عرض می کنم که کمیسیون بودجه برای این مطالب نیست کمیسیون بودجه برای اینست که یک پیشنهادیکه از

طرف وزیر میشود چه گلی باشد چه جزئی در آن نظر بکنند ولی این ترتیب اسباب میشود که بعضی موفق بشوند که یک ترتیب و تأمینی در امور معاشیه خودشان بدهند و بعضی دیگر موفق نباشند و جلوی یکی یکی از وکلا و غیر وکلا را بگیرند و الناس بکنند و چون کسی را ندارند کسی بدادشان نفرسد بنده رأی گرفته شود در این مقام مجبورم که رأی بدهم ولی عرض و خواهش میکنم از آقایان نمایندگان که یک مرتبه یک ترتیبی بطور کلی داده شود که هر روز از این جزئیات نیامده باشد و یکمرتبه در باره همه رأی داده شود

مخبر (حاج عزالمالک) - اولاً آقای حاج آقا مخالف نبودند و در این ماده رأی خواهند داد ثانیاً قسمت اول فرمایشاتشان را باید تصدیق کرد که ماحق شناسی میکنیم و قسمت دوم را باید تصدیق کرد مازالم نمیکیم بواسطه اینکه اشخاصی که خودشان را معرفی بکنند بوزارت مالیه و وزارت مالیه تصویب و تصدیق بکنند که آنها خدماتی کرده اند و صدماتی بآنها وارد آمده است بمجلس شورای ملی پیشنهاد بکنند و کمیسیون بودجه هم تعقیب میکند و وقتیکه دقت کرد دانست آن اشخاص واقعا مستحق رعایت هستند تصویب میکند و بمجلس راپورت میدهد بهتر از این هیچ ترتیبی نمیشود تصور کرد و نباید ما این را عداالت مسکوت عنه بگذاریم از برای اینکه شاید اشخاصی باشند که در حق آنها رعایت نشده باشد بنده انکار نمیکنم ممکن است و البته شاید خیلی باشند که در حق آنها رعایت نشده ولی این اشخاص را که مستحق آنها را می بینیم بگذاریم و رعایت نکنیم برای اینکه یک قرار کلی بدسیم صحیح نیست حالا برای کسیکه مستحق ابرامند ایم البته باید رأی داد بعد هم اگر کسی پیدا شود باز مجلس شورای ملی حق شناسی خودش را خواهد نمود و رأی خواهد داد

نایب رئیس - رأی گرفته میشود به راپورت کمیسیون بودجه که تصویب میکند ماهی پانزده تومان از اول هذالسنه تنگوریل دربارہ محسن خان مجاهد مادام العیال برقرار شود آقایانیکه تصویب میکنند (اغلب قیام نمودند)

ورقه سفید خواهند انداخت (اوراق رأی اخذ شده و آقای حاج میرزا رضا خان شماره نمودند ورقه سفید ۵۷ ورقه بلاسم یک)

نایب رئیس - با اکثریت ۵۷ رأی تصویب شد

ارباب کبخسرو و گویند در راجع بپروژه سازی راپورت سفید بود ۵۷ (ثانیاً اوراق رأی شماره شد بعد ۵۶ ورقه سفید)

نایب رئیس - به با اکثریت ۵۶ رأی تصویب شد - یک تقاضائی است بامضای عدله از نمایندگان خوانده میشود (به مضمون ذیل تقاضای مزبور قرائت شد)

ما امضاء کنندگان ذیل تقاضا میکنیم که تلگراف مجددی از طرف مجلس مقدس شورای ملی بآقای سردار اسعد بشود که هر چه زودتر تشریف بیاورند (مجلس امضای ۲۲ نفر از نمایندگان)

نایب رئیس - مخالفی نیست ؟

آقای میرزا ناصر قلی قلیخان - بنده اطلاع دارم که امروز تلگرافی از آقای سردار اسعد به

مجلس شورای ملی رسیده است و تلگرافی هم به آقای مصمص السلطنه کرده اند واقعا نهایت درجه اظهار مساعدت کرده اند بطوری که فوق آنچه تصور میشده است همراهی کرده اند و این تلگراف را قبل از آنکه از مجلس بایشان تلگراف شود کرده اند و تصور میکنم که تا فردا جواب تلگراف مجلس را هم خواهند داد و محتاج بتلگراف مجدد نباشد و اگر لازم باشد بعد از رسیدن جواب این تلگراف مغایره میشود

نایب رئیس - آنچه که معلوم است تلگرافی که از آقای سردار اسعد رسیده است جواب آن تلگراف مجلس نبوده همین نوعی است که فرمودید (جمعی اظهار کردند آن تلگراف را بخوانند)

نایب رئیس - تلگراف حاضر بیعت خدمت آقای رئیس است با این تقاضا روز شنبه خوانده میشود چون هوا گرم است و تقاضا شده بود زودتر مجلس ختم شود اگر مخالفی نیست مجلس را ختم میکنیم (گفتند این تلگراف چه شد)

نایب رئیس - عرض کردم که تلگرافیکه از آقای سردار اسعد رسیده است حاضر نیست و خدمت آقای رئیس است و قبل از اینکه تلگرافی شود لازم است که آن تلگراف در مجلس قرائت شود **ارباب کبخسرو** - تلگرافیکه به والا حضرت آقای نایب السلطنه و مجلس کرده بودند اشاره کرده بتلگراف مصمص السلطنه و تلگرافی که بانای مصمص السلطنه کرده بودند در نهایت تأکید بود تمام امان و خواهش و سرداران بختیاری در متابعت اوامر دولت جان بازی بکنند و هیچ اشاره از آمدن خودشان در آن تلگراف نکرده بودند و بنده خیلی لازم میدانم که مجدداً تلگراف از طرف مجلس بایشان شود که هر چه زودتر حرکت کنند

نایب رئیس - در هر صورت این تلگراف مجدداً هم بشود هیچ منافاتی با آن تلگراف نخواهد داشت آقایانیکه تصویب میکنند که آن تلگراف مجدداً مغایره شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

نایب رئیس - اکثریت است حالا چنانچه عرض کردم جلسه را ختم میکنیم و جلسه آینده روز شنبه سه ساعت و نیم قبل از ظهر و دستور روز شنبه راپورت کمیسیون معارف نسبت بعبود قانون اساسی معارف که در شوق ثانی بکمیسیون ارجاع شده بود راپورت کمیسیون تجارت راجع بپروژه سازی راپورت کمیسیون بودجه در باب یوسف آباد - بفرموده یزدی آقای فرزانه در باب دستور حرفی دارید

فرزانه - بنده تقاضا میکنم که راپورت کمیسیون بودجه در باره ورثه مرحوم وکیل الجار جزء دستور گذاشته شود

نایب رئیس - مخالفی نیست با اینکه در دستور گذاشته شود (اشاره شد خیر) (مجلس پنج ساعت و پنجاه دقیقه اظهار گذشت ختم شد)

جلسه ۲۷۷

صورت عرش و روح روز شنبه ۲۵ شهریور

رجب المرحب ۱۳۲۶

رئیس آقا مؤتمن الملک یکساعت و پنجاه

دقیقه قبل از ظهر بصدای ریاست جلوس نموده و پس از ده دقیقه رسماً تشکیل شد

صورت مجلس روز پنجشنبه را آقای میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند

(غائبین جلسه قبل)

آقای شیخ محمدحسین یزدی - آقای محمد باقر ادیب بدون اجازه - حاج سید نصرالله - طباطبائی با اجازه دکتر اسمعیل خان یکساعت و بیست دقیقه - حاج آقا ناصر الاسلام - حاج امام جمعه یکساعت و ربع - آقای میرزا مرتضی قلیخان یکساعت و ده دقیقه - دکتر امیرخان معتمدالتجار ابوالقاسم میرزا - دکتر حیدر میرزا - حاج شیخ اسدالله - آقا میرزا رضای مستوفی یکساعت از حضور در وقت مقرره تأخیر نمودند

رئیس - ملاحظاتی در مجلس هست (اظهاری نشد)

صورت مجلس تصویب شد - دو فقره عربضه ایست که بمجلس رسیده است برای اطلاع آقایان قرائت میشود یکی از طرف آقای عین الدوله دیگری از طرف آقای سالارملی (عربضه آقای عین الدوله بمبارت ذیل قرائت شد)

این بنده که قریب یک ماه است مبارک آباد میباشم در این چند روز بعضی اخبارات مختلف شنیده میشود برای اینکه ادای تکالیف فرضیه خود را کرده و در راه خدمت باین اساس مقدس از صرف هر قسم فداکاری و جان نثاری مضایقه نکرده این است ندکراً بآن مقام مقدس بتمام عرس و مزاحمت بر آمده جسارت نمینماید و چون در مدت عمر جز حب و حفظ وطن مقدس منسکی نداشته اکنون بهره حکم فرمایند با این جان پوسیده برای خدمت باین اساس مقدس و حفظ وطن با کمال صمیمیت بهر نوع جانفشانی و فداکاری که از این بشری بوجود آید خود را حاضر ساخته و بیک سادات ابلهی را ذخیره نماید (عموماً احسنت گفتند)

رئیس - عربضه سالار ملی هم قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) باره از اوزدگان عالم در دیک دماغ خود آرزوهای خام بخته جلافت و رشادت های جانگدشتگان را فراموش میکنند در این موقع خادم ملت صمیمیت نبات خود را تقدیم حضور نمایندگان محترم نمود با یک انتظار فوق العاده منتظر ارجاع خدمت که امتحانات خود را در راه استعجاب اساس حکومت تازه و تکمیل نمایم و ثابت کنم که صد زندگی را یک نام نیک ندیده ام (خادم ملت باقر) (نیز عموماً احسنت کردند)

رئیس - جمعی از آقایان تقاضائی کرده قرائت میشود (بقرار ذیل قرائت شد) ما امضاء کنندگان تقاضا میکنیم که کمیسیون مر کب از نه نفر برای کمک فکری و رابطه بودن ما بین هیئت دولت و مجلس شورای ملی از طرف مجلس انتخاب شود (مجلس امضای ۲۲ نفر از آقایان نمایندگان)

رئیس - خاطر آقایان مسیوق است که والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه برای پیشرفت امور و اساس مقدس مشروطیت از هیچ گونه تمسایح و مشفقانه تا بحال مضایقه نکرده اند چنانکه خود آقایان چندین دفعه دستخط های متعددی

آنرا والا حضرت را در اینجا اصفا کرده اند چند روز قبل هم آقای نایب السلطنه در باب همین کمیسیون به بنده خیلی تأکید میفرمودند که لازم است یک کمیسیونی تشکیل بشود که رابطه باشد بین هیئت وزراء و مجلس این بود که بعد از آنکه این تقاضا در اینجا قرائت شد لازم دیدم تأکید آقای نایب السلطنه را هم عرض آقایان برسانم (گفتند صحیح است) حالا مخالفی در اینخصوص هست (گفته شد مذاکره لازم ندارد رأی بگیری)

رئیس - پس رأی میگیریم در اینکه بدون مذاکره در اینخصوص رأی گرفته شود یا بخیار آقایانی که تصویب میکنند بدون مذاکره رأی گرفته شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - حالا رأی میگیریم در اینکه یکساعت کمیسیونی از برای اینکه رابطه باشد بین هیئت وزراء و مجلس تشکیل شود یا بخیار آقایانی که جنین کمیسیونی را تصویب میکنند انتخاب بکنیم قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - حالا برای عده باید رأی بگیریم در اینکه عده نه نفر باشد مخالفی هست (گفتند مخالفی نیست) رأی میگیریم آقایانی که تصویب میکنند عده نه نفر باشد قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد - در دستورمان چیز مهمی نیست و الان مطالب مهم دیگر در نظر هست باینجهت اگر آقایان تصویب میکنند مجلس را ختم میکنیم ولی چهار ساعت بفرموده آقایان تشریف بیاورند و اگر لازم باشد بعضی مطالب عرض آقایان برسد جلسه را منقذ کنیم و الا فلا (گفته شد پس انتخاب این کمیسیون کرای گرفته شد کمی میشود)

رئیس - انتخاب کمیسیونها همیشه در خارج میشده است حالا هم باید در خارج این کمیسیون را انتخاب بکنند (مجلس یکساعت و نیم قبل از ظهر ختم شد)

جلسه ۲۷۸

صورت عرش و روح جلسه فوق العاده بوم چهارشنبه ۲۹ شهریور ۱۳۲۶

رئیس آقا مؤتمن الملک (یکساعت بعد از ظهر بکرسی ریاست جلوس نمود و بعد از پنج دقیقه جلسه را رسماً منقذ فرمودند)

آقای میرزا رضاخان نائبین صورت جلسه قبل را قرائت کردند (اسامی غائبین جلسه قبل بترتیب ذیل قرائت شد)

حاج امام جمعه - آقای شیخ حسین یزدی - دکتر امیرخان - آدینه محمد خان - دکتر اسمعیل خان بدون اجازه و آقایان حاج سید رضاخان دکتر حیدر میرزا با اجازه غائب بودند

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد)

رئیس - در صورت مجلس ملاحظه نبود و صورت مجلس تصویب شد تلگرافی از آقای نظام السلطنه رسیده است برای استحضار خاطر نمایندگان قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

توسط وکلای محترم فارس دامت تائید انهم بساحت مجلس مقدس ملی شیدالله از کانه اگر چه تا امروز رسماً

بنده خبری نرسیده ولی اشتهازات این مملکت نسبت بواقعات استرآباد و کردستان اگر موضوع خارجی داشته باشد بالطبع عموم وطن خواهان را متزلزل و افسرده نموده پس لازم است که عرض بکنم المرء عند الامتحان یکرم او بهمان امروز روزی است که ندای غیبی اسلامیت و ایرانیت افراد اهالی را از خواب غفلت بیدار و خاص عام مملکت با وجود اختلاف مسالک بی بمخاطرات و مهالک برده و با یک حرکت غیورانه از فضاخت بی حسی خود را دور ساخته و این اصل اصیل استقلال ملت و تشیدمبانی قومیت کاولین قوای ملی است تثبت و هر کس خادم ملت و حقیقه مشروطه خواه باشد مقدرات خود را صرف اصلاح مملکت و بقای این اساس مقدس نموده اموال خود را از علاقه شخصی خودم باهزار سوار و تمنگچی رشید که کار پنجهزار تشون را بکنند همه را با تفک ماللتخیر و پنج تیر آلمانی حاضرم که فرستم سرداران جنوب که دوستان بنده هستند اثر تلگرافی بتوسط خودم بفرمایند میتوانم اطمینان بدهم که پنجهزار سوار یخه رشید که مقابل با بیست هزار نفر بکنند حرکت بدهند در هر صورت این بنده برای همه قسم فداکاری در کمال مفاخرت حاضر و منتظر امر مطاع مجلس مدس و از ایثار جان و مال بحقیقت نه بالفاظ در این موقع مضایقه ندارم و از سرداران جنوب هم اگر بیشتر لازم باشد امیدوارم مضایقه نکنند که خویش بودگر معک تجربه آید بیان (رضافلی)

رئیس - جوابی که مقتضی است مغایره شده و اظهار امتنان خواهد شد و آقایان وزراء عظام هم تأکید خواهد شد که از حسن نیت ایشان استفاده بکنند

مصمص السلطنه رئیس الوزراء - شرف دارم از اینکه آقایان وزراء را معرفی بکنم آقای وثوق الدوله وزیر امور خارجه - آقای قواد السلطنه وزیر داخله - آقای حکیم الملک وزیر مالیه آقای مشیر الدوله وزیر عدلیه - آقای دبیر الملک وزیر پست و تلگراف - آقای علاء السلطنه هم در اینجا تشریف نمازند و خواهند آمد وزیر معارف و فوائد عامه هستند بنده هم وزیر جنگ

حاج آقا - امروز کابینه آقای مصمص السلطنه که در حقیقت کابینه آرزوی استقلال مملکت میتوانش گفت در مجلس شورای ملی معرفی شد لازم میدانم که بنده هم باندازه خودم مطالبی را که مقتضی است در این موقع خطاب که بگوش ملت برسد عرض کنم از اول تشکیل دولت جدید تا امروز عموم ملت ایران که باریک شوق و اشتیاق اقدامات مجدانه دواسترداد حقوق آزادی، خودشان کردند منتظر بودند در دولت جدید باریک آرزوی بزرگ خودشان در ترقی مملکت و بسط باسط عدالت و جریان امور دولت بر طبق قوانین مشروطیت موفق شده باشند و بمقصودشان رسیده باشند - بدین معنی است که یک مطلب طبیعی است همیشه انسان تادر وسط او است ملتفت او نیست ولی سائرین که خارج هستند بایک دیده بینا ملتفت هستند که مطلب هر چه بزرگ و آرزو هر چه عظیم باشد در مقابل او هر چه نمایش داده شود چون مقصود خیلی بزرگ است باز بنظر طالب مقصود کوچک میآید ملت ایران در دوره مشروطیت چون مقاصد خیلی

بزرگ داشته و در زمان استبداد که در فشار و زحمت چندین ساله بودند میخواستند موفق شوند بیک استرداد حقوق و اخذ آزادی که در آن زمان باوج آزادی خودشان نائل شوند ولی باکمال بصیرتی بدیهی است که یک مملکت که تمام اسباب ترقی و سعادتش بواسطه استبداد از هم متلاشی شده بود اگر بخواهد بشی حقیقی بقصد و طریق سعادت میل بکند وقت لازم دارد و در مقابل اقدامات دولت جدید در این دو ساله چون مقاصد مردم بزرگ بود چندان بنظر قدرشناسی نگاه نکردند و نمیتوان گفت که الحق اگر موانع زیاد نبود و دستهای داخل و خارج در مملکت ما کار نمیکرد البته ملت بمقاصد غالبه خودشان پیش از این میرسیدند ولی متأسفانه اگر ملت یک نظری بتاریخ این دو ساله ایران بکنند می بینند که از روزیکه دولت جدید تشکیل شغتا امروز روزی نبود که مملکت ما از دست تحریکات ارتجاع و استبداد او آسوده باشد و یک مقدار بخود پرداخته باشد بدیهی است یک هیئت دولتی وقتی بخواهند مملکت را بشی طبیعی خود بشیندازد اگر مانعی در جلو نداشته باشد تمام حواس خود را صرف اصلاح امور بکند و آن چیزیکه تمییزات ملت است زود برسد ولی اگر تمام حواسش متوجه رفع موانع و رفع مشکلات باشد البته یک زمان متوجه رفع موانع میشود و آن چیزی که مقصود منی است بآن زودی بدست نخواهد آمد ملت که همیشه نقطه نظرش مطلوب خودش است هینطوریکه هر طالبی فقط نظر مطلوب خودش است باکمال بصیرتی و عده هائی که باو داده شده بود و امیدوارها بیکه داشت می مطالبه میکرد و انتظار داشت بصیرتی ملت بجرانهای زیاد که در مملکت پیدا شد که بنده آن بجرانهای بی دردی راهم باوقت ملت عرض میکنم که بواسطه تحریکات و بواسطه اشکال تراشیدها بود که آن بجرانها پیدا میشد این بجرانهای بی دردی و آن مشکلات ترتیب داد یک زمینه را که مانع بود که ما بمقاصد عالی خودمان برسیم بدیهی است که در زمان قلیل بمقاصد عالی رسیدن اسباب این نمیشود که انسان مایوس از رسیدن بمقاصد عالی بشود بلکه تقویت میکند مقاصد عالی طلبی را و تقویت میکند راهروی و بیوری را در مقاصد مشروعه بنده نمیخواهم مفصل شرح دهم مشکلاتی که برای دولت جدید در این دو ساله پیدا شده البته آقایان مسوقند فضیه رحیم خان ترتیبات مازندران سایر اقدامات دیگر در طرف شمال و همچنین سایر ترتیبات که در اطراف واقع شد اینها مشکلاتی بود که همین قدر دولت جدید باصلاح آن مشکلات موفق شد و این بزرگترین بیشرتی بود از مقاصد بلند ولی امروز این مشکلاتیکه برای ما هست در کابینه آقای مصمصام السلطنه میخواهم عرض کنم که این اسلحه و این اسباب جمعی که الان موجود است سابقاً موجود نبود و بجهت آن برای این کابینه موجود است ما امروز بول داریم قشون داریم اسلحه داریم کابینه فعال هم داریم همه قسم اسبابمان موجود است و با اقدامات آن کابینه امیدوارم که تمام مشکلات مملکت رفع شود و موفق شویم که بدست این کابینه آن مقاصد عالی ملت را موفق شویم و رفع تمام مشکلات را بدست این کابینه کرده باشیم.

سلیمان میرزا - چنانکه آقای حاج آقا اظهار فرمودند یکی از سببهای مملکت بجرانهای متوالی بود که دستداد و در این موقع که هر دقیقه ما مقابل یکسال است متأسفانه در طرف یکجفته مبتلای یک بجران دیگر شدیم و امیدواریم که این کابینه حاضر با وجود اینکه تمام این موانع و مشکلاتی که فرض میشود در نظر است با اقدامات خودشان شروع بکنند و عملاً قریب روزی برسیم که اینجانشریف بیآورند و بگویند ما آن اشخاص تاریخی و آن اشخاص جان باز فداکاری هستیم که در طرف مدت قلیل کاملاً مملکت را امن کردیم و اساس استقلال و آزادی را محکم کردیم و باید همچین امیدواری داشته باشیم زیرا که اگر امروز در بعضی از نقاط سرحدی ما قبیل کردستان سالارالدوله داشته باشیم ما اگر در استرآباد شماع السلطنه و غیره داشته باشیم اما در عوض همان سردارهای غیور و همان جان بازان راه حریت را داریم و خونهای ایرانها هنوز در اعصابشان در جریان است و تا اشخاصی از آنها باقی باشد محققاً نخواهند گذاشت که آزادی از دست آنها برود زیرا که آزادی مقنون ملی است و تمام ملت باید این حقوق را حفظ کنند و منحصر بچگونگی یک نفر نیست برخلاف سلطنت استبدادی که منافعی را جمع بیک نفر و جماعتی که با او شریک هستند خواهد بود و مدافعه کنندگان از آن اساس همان جماعت خواهند بود و همیشه بتجربه رسیده است که این اشخاص فانی هستند فانی میشوند حق همیشه بطرف آزادیخواهان است زیرا که آزادی از حقوق مسلم آنها است و مطابق احادیث محققه و متقنه (الحق یلوی ولای علی علیه) هیچوقت حق را بایمان نمیشود (یدالله مع الجماعه) استبداد نخورده و نخواهد خورد و همان اشخاصی که امروز مانند دزدان فراری از سرحدات با انواع مختلفه بلباسهای غریب و عجیب خودشان را عرضه میدهند بکوفت خودشان در همین پایتخت بودند و استبدادشان خیلی بیش از این بود و این مشروطه خواهان که الان هستند آتوق در خارج بودند و با وجود آنهمه تضییقات با آن حس وطن پرستی با آن خونهای رنگین خودشان حاضر شدند سربازان را در کف دست خودشان گذاشتند حقیقه وقتی که کشته میشدند منتظر نبودند که در ازای پنجشاهی موجب کشته شوند جانبازی آنها برای حقوق نبود و خوشوقت بودند که کشته میشوند سرباز دیگری که در عقب سر او بود آرزو میکرد که بآن مقصود برسد و چنین جماعتی مسلماً فتح خواهند کرد چنانچه فتح کردند و باز هم محققاً خواهند کرد ما بهیچ وجه تصویری غیر از این نمیکشیم که جماعت همیشه وقتی که پایک اتحاد و اتفاق کاری بکند پیش خواهد رفت و ما آرزوییکه در مرکز نبودیم و قوای دولت در دستمان نبود با اشخاصیکه از خارج جمع شده بودند و همان اشخاص امروز هم هستند حقوق خود را گرفتند و این اساس بوسیده رادر سلطنت آباد و باغ شاه سرنگون کردند و بجای آن اساس عدل و عدالت و آزادی را استوار کردند محققاً امروز همان خونهای رنگین و همان اشخاص فداکار هستند و اقدامات خودشان را خواهند کرد و عملاً قریب موفق خواهند شد زیرا

اگر امروز یکی دو نفر دزد فراری و یک جماعتی از اشخاص خائن وطن فروش که بر خلاف حقیقت آزادی مشروطیت و برخلاف استقلال مملکت داریم و اشخاصیکه سابقه افعالشان معین است در جلو داریم و همیشه خائن خائف است و ببخمس چیزی فراد خواهد کرد در مقابل وزرائی داریم که همیشه امتحانات خودشان را داده اند رئیس الوزرائی داریم که در راه تحصیل آزادی جانبازی کرده اند و خون خانوادۀ خودشان را ریخته اند کدام نقطه مملکت است که خون بختباری در آن ریخته نشده است این اساس را در مقابل آن داریم و باز امیدوار هستیم که با کمک سایر وزراء و آزادی طلبان این اساس را حفظ و مستحکم بکنند اگر امروز یک سالارالدوله داریم در مقابل خزانه پرداریم پول داریم که تمام چیزها بواسطه پول فراهم میشود قوا و استعداد را دوچیز فراهم میکنند پول و قوای جانی الحیدایه همه جمع است و حاضر و موجود است و خواهید دید که بزودی - زود این ابرهای مظلم برطرف میشود و مملکت بنور ترقی و تمدن روشن خواهد شد و اشخاص وطن پرست و کشته شدند تا اینکه رسیدند بمقصد این مجاهدین بودند که از گیلان و از خراسان حرکت کردند و آمدند تخت را مبدل برتخت کردند و اساس مشروطیت را برقرار کردند تمام اینها که اینکار را کردند برای یک چیز بود برای این بود که ملت ایران رسیده است بجائی که دارای حقوق بشریت بنفا رسیده است بآن جائی که زنجیر اسارت را بگردن خودش بگیرد رسیده است بآن جائی که دیگر زیر بار هیچ قیدی نرود رسیده است بجائیکه داخل خانواده ملت آزاد باشد همین حس ملت ایران بوده است که تمام این جانبازها را محرك شد و تمام اینکارها را کرد همان حس هنوز باقی است ملت ایران بدانند قوه ارتجاع بواسطه تصورات موهوم تصور میکنند که موقع رسیده که اساس آزادی را از دست شما بگیرند و این ابرهای تاریکی که بطرف شما دارد مبادی باز همان ارتجاع است که آزادی شما را از دست شما گرفته بود همان ارتجاع است که اختیار جان و مال شما را گرفته بود دوباره میخواهد شما را از یک آدم آزادی مبدل بیک بنده بکند و باز میخواهد اختیار جان و مال را از دست شما بگیرد و برای رسیدن باین مقصود راه های مختلف اتخاذ کرده اند و از هر چیزی مضایقه و کوتاهی نمیکند و در ظرف این دو سال گذشته اگر نگاه کنید خواهید دید چه کارها که نکردند و چه اسباب چینیها که نکردند خواستند که این اساس را ضعیف بکنند و مابین شما تفرقه بیندازند و اسباب اشکال برای رسیدن بمقصد خودشان فراهم بکنند گاهی رحیم خان را وارد آذربایجان کردند و شاهسون را محرك شدند و چه کارها که نکردند و نمیخواهم داخل آن شوم و حتی سعی کردند بعضی کسانی که برای شما کار میکنند و میکردند در انتظار شما بی اختیار و موهوم باشند و حالا هم است دست نکشیده انان شما را بتشکیل یک هیئت مدیره مشوب میکنند که هیچ صورت خارجی ندارد ملت ایران حالا موقع جانبازی است موقع امتحان است والان ماها تماماً باید امتحان بدهیم والان تمام

را حفظ میکنند نباید پشند و عجب در این است که با امتحانات گذشته و با آن جان بازهای گذشته ملت ایران باز بعضیها خیال خام درس دارند در صورتیکه نباید فراموش کرده باشند هنوز وقت زیادی نگذشته است این همان ملت ایران است که در آذربایجان یازده ماه مقاومت کرد همان ملت ایران است که در گیلان مقابله استبداد را یاره کرد همان ملت ایران است که امتحانات خود را در راه رسیدن با آزادی گرفتن مشروطیت مکرر داده است با وجود این باز معاندین آزادی و مخالفین مشروطیت خیال خام در سردارند و فراموش میکنند همان یثویان روحانیین هستند که چندر مجاهدت کردند برای این ملت که دارای حقوق آزادی بشوند همین آقای مصمصام السلطنه همین آقای سردار احمد بودند که در راه مشروطیت و در راه رسیدن با آزادی جوانهای بختباری دادند گذشته و کشته شدند تا اینکه رسیدند بمقصد این مجاهدین بودند که از گیلان و از خراسان حرکت کردند و آمدند تخت را مبدل برتخت کردند و اساس مشروطیت را برقرار کردند تمام اینها که اینکار را کردند برای یک چیز بود برای این بود که ملت ایران رسیده است بجائی که دارای حقوق بشریت بنفا رسیده است بآن جائی که زنجیر اسارت را بگردن خودش بگیرد رسیده است بآن جائی که دیگر زیر بار هیچ قیدی نرود رسیده است بجائیکه داخل خانواده ملت آزاد باشد همین حس ملت ایران بوده است که تمام این جانبازها را محرك شد و تمام اینکارها را کرد همان حس هنوز باقی است ملت ایران بدانند قوه ارتجاع بواسطه تصورات موهوم تصور میکنند که موقع رسیده که اساس آزادی را از دست شما بگیرند و این ابرهای تاریکی که بطرف شما دارد مبادی باز همان ارتجاع است که آزادی شما را از دست شما گرفته بود همان ارتجاع است که اختیار جان و مال شما را گرفته بود دوباره میخواهد شما را از یک آدم آزادی مبدل بیک بنده بکند و باز میخواهد اختیار جان و مال را از دست شما بگیرد و برای رسیدن باین مقصود راه های مختلف اتخاذ کرده اند و از هر چیزی مضایقه و کوتاهی نمیکند و در ظرف این دو سال گذشته اگر نگاه کنید خواهید دید چه کارها که نکردند و چه اسباب چینیها که نکردند خواستند که این اساس را ضعیف بکنند و مابین شما تفرقه بیندازند و اسباب اشکال برای رسیدن بمقصد خودشان فراهم بکنند گاهی رحیم خان را وارد آذربایجان کردند و شاهسون را محرك شدند و چه کارها که نکردند و نمیخواهم داخل آن شوم و حتی سعی کردند بعضی کسانی که برای شما کار میکنند و میکردند در انتظار شما بی اختیار و موهوم باشند و حالا هم است دست نکشیده انان شما را بتشکیل یک هیئت مدیره مشوب میکنند که هیچ صورت خارجی ندارد ملت ایران حالا موقع جانبازی است موقع امتحان است والان ماها تماماً باید امتحان بدهیم والان تمام

عالم منتظر امتحان ما هستند منتظرند و بطرف ما نگاه میکنند تمام عالم چه میخواند میخوانند ببینند که آیا ملت ایران قابل مشروطیت بوده است آیا مشروطیت را از روی استحقاق گرفته باینکه اتفاقاً گرفته من تصور میکنم که ملت ایران مشروطیت را از روی استحقاق گرفته است و لایق بوده است که رسیده است باین مقام و ملت ایران که بلیات آزادی را گرفته اند همان ملت ایران حاضر خواهد بود حتی پیره زهای آنها حاضر خواهند بود با دندان های خودشان دفاع کنند و نگذارند این اساس را پامال کنند آن کسانی که خیال میکنند که ملت ایران را میشود در خواب تهاقل کرد و آنها را در خواب گرفت اشتباه میکنند بجهت اینکه قطع نظر از ایران اگر بتاریخ نظر کنیم خواهیم دید که در تمام نقاط عالم دیگر در هیچ جا (باستثنای یک دو جا) اساس استبداد برقرار نیست همه جا در تمام عالم ما خواهیم دید که همیشه قبله با آزادی بوده است همیشه اساس بوسیده استبداد در مقابل مشت فولادی آزادی نتوانسته است مقاومت بیاورد چون تاریخ مکرر میشود این قوه هم در اینجا مکرر خواهد شد در ایران همان حساب که در ملت ایران است و همان صحبت با آزادی و همان انس بشروطیت قوای آزادی را زیاد خواهد کرد و قوای ارتجاع را ازم خواهد پاشید و هیچ وقت قوای استبداد بر آزادی غلبه نخواهد کرد.

رئیس - قبل از اینکه جلسه را ختم کنیم لازم میدانم که بعضی انتشاراتی که در این چند روزه داده شده است تکذیب بکنم و آن این است که همه جا گفته میشود هیئت مدیره تشکیل شده است که در اجرائیات دخالت بکند بنده تعجب می کنم چطور بعضی این قبیل انتشارات را قبول میکنند اگر هیئت مدیره انتخاب میشد و معین میشد بایستی از مجلس انتخاب شود و تمام کارهای ماعلنی است اگر اینطور بود هیئت مدیره تشکیل شده بود در مجلس معین میشد و حال آن که هیچوقت همچو چیزی وقوع نداشته است فقط یک کمیسیون موسوم بکمیسیون رابطه معین شدن آن هم نه برای این بود که در اجرائیات دخالت بکند برای این بود که آقایان وزراء چون مشغول کار هستند برای بعضی جزئیات هر روزه مجبور نباشند که بیایند بمجلس بعضی سئوالات از ایشان بشود که اسباب ضعیف و اتلاف وقت ایشان باشد فرارشد یک کمیسیون رابطه باشد که اگر بعضی اطلاعات لازم شد هیئت وزراء آن کمیسیون را بآن کمیسیون رابطه بدهند و آن کمیسیون بمجلس اطلاع بدهد فقط مقصود همین بود حالا هم اینجا عرض میکنم این کمیسیون رابطه هم بهیچوجه در اجرائیات مداخله نخواهد کرد و اگر آقایان وزراء لازم دانستند این کمیسیون باقی خواهد بود که اگر لازم ندانستند منحل خواهد شد و علناً عرض میکنم بهیچوجه هیئت مدیره وجود نداشته است و نخواهد داشت و چون کار مهمی هم در دستور نیست جلسه را ختم میکنم اظهار شد جلسه آتیه چه وقت .

رئیس - هر وقت لازم شد اطلاع داده میشود (مجلس یک ساعت و پنجاه دقیقه از ظهر گذشته ختم شد .

جلسه ۲۷۹
صورت مشروح جلسه فوق العاده
روز شنبه ۳ شهریور ۱۳۲۹
مجلس یکساعت و سه ربع قبل از ظهر بریاست آقای موتمن الملک تشکیل شد صورت مجلس روز ۴ شنبه ۲۹ از آقای آقا میرزا ابراهیم خان قرائت نمودند غائبین روز چهارشنبه متین السلطنه - آقا سید محمد باقر ادیب - میرزا یاسن - حاج امام جمعه مدرس بدون اطلاع - دکتر لقمان با اجازه میرزا مرتضی قلیخان مرضی

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهار نشد) ملاحظاتی نیست - صورت مجلس تصویب شد - چند فقره تلگراف رسیده است قرائت می شود .

تلگراف انجمن ولایتی رشت بعبارت ذیل قرائت شد بوسیله آقایان نمایندگان گیلان ساحت مجلس مقدس کبیه نیابت سلطنت هیئت محترم وزراء و آقای سردار معی و جریده مجلس اگر چه مراتب و درجات استقامت عموم اهالی گیلان در تهیه لوازم استحکام اساسی استقلال مملکت محتاج بمرض واقاله برهان نیست چنانچه در مواقع مهمه حیثیت ملی خود را بنام دنیا آشکار و از بقل جان و مال دریغ و مضایقه روا نداشته تا بمقصد نایل بشوند ولی چون خیلی لازم است که وقایع ملی قلمرو خود را در مورد لازمه بدو اثر متبوعه خود عرضه دارد عرض مینمایم اهالی گیلان در این چند روزه که ورود محمد علی میرزا بکشم تپه و نواحی استرآباد میرهن داشته تمام صاحبان مساکن مختلفه و احزاب متشکته و مدیران جراید و ملت ارامنه پس از امان نظر دقیق بوخامت مآل بی فوت دقیقه انتظار امداد از هیئت موتمنه فوراً صفحات و اوراق اعمال سابقه را بر صفحات عفو و انشای و ترضیه و ریختن اثرات اختلاف کلمه از روی ای جان و منفرد فرجه قلوب منزله و صاف کرده اسامی بسیار محکم که در انتظار دانشمندان و باریک بینان اشعار مرتبه اولی است بجل المتین انصاف متوسل گشته دیروز چهارشنبه ۲۹ جمعی از رؤسای مجامع خود را بانجمن فرستادند پس از تجدید اظهار مراسم انقیاد و اطاعت بدولت مشروطه درخواست حضور و تشریف فرمائی عموم طبقات بانجمن نموده امروز غره شبان عموم طبقات از علماء اعلام و حجج اسلام واعیان و ارکان و تجار از غریب و بومی و صنوف اصناف دامت بر کانهیم و اقبالیه از صحیح الظاهر بانجمن تشریف فرما شده عموماً بانهایت بشاشت و اشتیاق اظهار همه قسم معاونت و همراهی نموده و بر خود فرض کرده که زابتدا علی ما سبق در ابغای این اتفاق روش بر طبق قانون و مراعات نزاکت و حفظ و حراست حقوق بین المللی قیام و اقدام نمایند حتی هر یک از طبقات فی المجلس دونفر نماینده از بین خود معین کرده کمند افکاری و غیره باعضاء انجمن بنمایند انجمن هم باکمال بردباری از طرف خود مراسم تشکرات صمیمانه خود را از این اقدامات بگانه تقدیم و از طرف اولیای امور همه قسم تمهیدات همراهی نموده امیدواریم از این پیش آمد قهری که کاشف از نیت خالصانه و امداد علنی است کاملاً بهره مند و کامیاب گردیم (عموماً تحسین کردند)

رئیس - تلگراف بزداست خوانده میشود (از قرار ذیل قرائت شد) مقام منبع مجلس مقدر و هیئت علماء اعلام و کابینه وزرا عظام دامت برکاتهم خیر ورود محمد علی میرزا به گمش تبه مسموع شد ظلم های استبدادیه و قتل های فجیعہ سابقه او را ملت بغاظر آورده متفق النکمه به آواز بلند عرضه میداریم که راضی بودیم و نیستیم و بسا تمام فوا جاننا و مالا در دفعش حاضریم آن ذوات مقدسه هم در نهایت جدیت تصرف شر او را بفرمایند (عموم ضیقات و احرار بزداست طرف عموم تحسین شد .

رئیس امضاء متعدد است همه را نمیشود خواند - تلگراف دیگری هم از بزدا رسیده است خوانده میشود (بهر ترتیب ذیل خوانده شد)

توسعه نمایندگان عظام جنوب ذات برکاتهم ساخت مقدس دارالشورای کبری ملی شریفه از کانه اخبار واصله ورود محمد علی میرزا بس حد ایران عموم ملت چون بالای ناگهانی و صافه آسمانی دانسته اقدامات سابقه او را در مخالفت با قانون اساسی که همه گونه حقی را نسبت بنو منظور فرموده بنقض آورده و تجدید مقام مفاسد و انقلابات و انهدام کعبه آمان و اضمحلال استقلال سلطنت اسلامی و اسارت سی کرور ایرانی را با ورود او تمام بدیده عهد با یک عالم حساب متفرقانه از زسان جزا از تجاع تنفر طماع خود را از ورود محمد علی میرزا مابین با استقلال سلطنت اسلام و مسلمانی است تمام ملت ایران و دولت متدینه عالم مشهود و از تمام ایران شور ایرانی و اسلامی استمداد خواسته فتح و فتح او را با نوجوان فریضه ذمه هر مسلمان با غیرت و ایرانی با فتوت مشاوری و ارماندگان عظام که حافظان حقوق هستند کتب تکلیف مینمایم .

رئیس انجمن ولایتی بزداست میرزا حسن نواب) عموم نمایندگان اجلاس کنند .

رئیس - تلگراف کرمان است قرائت میشود (به عبارت ذیل قرائت شد) .

ساحت مقدس مجلس شورای ملی شریفه ارکان هیئت وزرای عظام دامت برکاتهم در این موقع که خیر ورود محمد علی میرزای مغضوب بر سرمد منتشر شده عموم اهالی بهیچان آمده در انجمن ایالتی مجتمع شده چون ورود او بظاک مقدس وطن مابین با استقلال دولت اسلامی و مخالفت با صفت مسلمانان است با یک هیجان فوق العاده تنفر خود را از او و از کلبه ارتجاع عرصه میداریم ما اهالی ایران در راه استقلال منکبت و اسس مقدس مشروطیت و دیانت اسلامی مینون ها مال هزارها نفوس خود را خدا بگذرد این تا یک نفر از ماها زند است از پای نخواهد نشست تا دشمن دین و مملکت خود را دفع نماید و شر قسم برای خدا کاری و جان بازی در مدافعه از وطن عزیز و تشدید

اساس قوام مشروطیت و قطع دفع منجر حاضر بود منتظر او امر مضاعف مجلس مقدس و اولیاء دولت محبوب نمود هستیم اقداماتی که از طرف اولیاء دولت در جو گیری از محمد علی میرزا و اشرا و سرنجمین شده استعلام مینماییم (انجمن ایالتی - همه کی تصویب کردند)

رئیس - عریضه ایست که هزار نفر از تجار و اصناف عرض کرده اند خوانده میشود عبارت

ذیل قرائت شد مامت ایران بشهادت شش ساله کوشش شبانه روزی و اهمیت ندانن بجایها و مالهای خود در راه آزادی برای دفعه دیگر با صدامتی که تمام فضای عالم ازور را پر کند بموم ملل دنیا خطاب کرده میگردیم که ما از شخص ظالم و جابر خائن آزادی و آن محمد علی میرزا و متابعین او متنفر و در این موقع سابقه جانها و مالهای خود را در مقابل او و هم دستاخش با تمام حواس و قوای خود حاضر و برای تجدید این امتحان آماده ایم ۳۰ سرطان ۱۳۲۹ (نما شدگان عموماً اجسنت گفتند)

رئیس تلگرافی بهمین مضمون از روساء ادارات بندر ناصری و چند فقره دیگر هم از آذربایجان و جاهای دیگر رسیده است چون عجالاً حاضر نیست در جلسه بعد قرائت میشود .

معاون وزارت مالیه لایحه قانونی است دراجع به برقراری نمودن مستمری در حق بکنفر از مستخدمین مالیه که سابقاً کترات شده اند از طرف هیئت وزراء تقدیم مجلس میشود و تقاضای فوریتش را هم مینماید (لایحه مزبوره از قرار ذیل قرائت شد خوانده شد)

معاون وزارت مالیه سؤالی از سوی یکی از نمایندگان مجلس در خصوص کفایت صورت پذیر خواهد بود که مازور در ستاکس که موافق قانون استخدام دو فر امریکائی و بکنفر اروپائی مقیم ایران مورخه ۹ ربیع ۱۳۲۹ که از مجلس شورای ملی گذشته برای شغل مزبور استخدام شده با کمال دلگرمی و اشتیاق بر تاد شروع بکار نمایند چون مشارالیه در قبول این تکلیف مجبور شده است از تحت صاحب منصبی قشون انکلسر استعفا کند و بنا بر این از حق گرفتن یک مقرری تقاعدی که عنقریب موعد آن خواهد رسید معزوم مینماید مقرون بقفایت است که دولت عنیه وعده بدهد معادل همان حقوق تقاعدی که مازور ستاکس از تمتع آن صرف نظر خواهد کرد پس از انجام خدمات مشارالیه در ایران در حق او مستمراً برقرار نماید لهذا هیئت دولت لایحه قانونی ذیل را بهیچ شورای ملی پیشنهاد میکند .

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم که مندرجات پیشنهاد هیئت وزراء با این اظهار آقای معاون موافقت تامی نداشته باشد و گمان میکنم که این یک ماده که بموجب این لایحه میتوان در کنار کترات او باشد این یک ماده را او میخواهد بعنوان یک حقوق تقاعدی برای خودش بشناسد که باقی عمرش بعد از کناره از خدمت راحت باشد از این جهت میخواسته بدانم که تا چه وقت میخواهد داخل کار باشد و از چه وقت خود را کنار خواهد کشید بنده اینرا نمیتوانم بفهمم لکن در باقی گمان میکنم جای حرفی باشد .

رئیس این ماده واحده خودش مطبوع خوب میفهماند یک کتراتی بموجب قانونی که در نهم رجب تصویب شد با این شخص بسته شده است که سه ساله است حالا این ماده میگوید که بعد از سه سال که کترات او منحل شد از آن روز حق مستمری خواهد داشت و اگر هم بعد از سه سال نخواهد یک کتراتی با او بیندند آن کترات و حقوقش ربطی بساین مستمری ندارد (گفتند صحیح است دیگر مخالفی نیست رای میگیریم باین ماده واحده آقایانی که این ماده واحده را تصویب میکنند ورقه سفید بینه ازند آقایان بیکه تصویب نمیکند ورقه کبود (اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آنها را بعد از (۶۳) ورقه سفید شماره نمودند .

رئیس ماده واحده با کثرت ۶۳ رای از ۷۳ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد . طرحی است که از طرف جمعی از نمایندگان که تقریباً پنجاه نفر میشوند پیشنهاد شده است قرائت میشود . (بقرار ذیل خوانده شد)

شود قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - با کثرت تصویب شد حال مجدداً ماده واحده قرائت میشود و رای میگیریم (مجدداً ماده واحده لایحه قرائت شد)

رئیس - مخالفی نیست در این ماده

حاج وکیل الرعایا - بنده بسؤالی داشتم

رئیس - بفرماید

حاج وکیل الرعایا - اگر ممکن باشد آقای معاون وزارت مالیه به بنده بفرمایند که این سالی در دست و پنجه لیله را از چه وقت خواهد گرفت چون در آنجا که خوانده شد با بنده نتوانستم درست ملتفت شوم یا اینکه درست روشن نیست خوب است اینرا توضیح بفرمایند که این بعد از انجام خدمت و کترات سه ساله است یا بعد از وقتی که دیگر نتواند کار بکند و الا بنده با تمام مندرجاتش موافقم .

معاون وزارت مالیه - در لایحه تصریح شده است که از روزیکه کترات او منقضی میشود این مبلغ اضافه حق باو داده خواهد شد .

دکتر اسمعیل خان - بنده فقط میخواستم از معاون وزارت مالیه سؤال بکنم که ست این مستخدم چه سمتی است مدبری است یا خیر .

معاون وزارت مالیه - بی اندر قرائت مدبری است . در تحت نظر او تشکیل خواهد شد و سمت مدیری است .

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم که مندرجات پیشنهاد هیئت وزراء با این اظهار آقای معاون موافقت تامی نداشته باشد و گمان میکنم که این یک ماده که بموجب این لایحه میتوان در کنار کترات او باشد این یک ماده را او میخواهد بعنوان یک حقوق تقاعدی برای خودش بشناسد که باقی عمرش بعد از کناره از خدمت راحت باشد از این جهت میخواسته بدانم که تا چه وقت میخواهد داخل کار باشد و از چه وقت خود را کنار خواهد کشید بنده اینرا نمیتوانم بفهمم لکن در باقی گمان میکنم جای حرفی باشد .

رئیس این ماده واحده خودش مطبوع خوب میفهماند یک کتراتی بموجب قانونی که در نهم رجب تصویب شد با این شخص بسته شده است که سه ساله است حالا این ماده میگوید که بعد از سه سال که کترات او منحل شد از آن روز حق مستمری خواهد داشت و اگر هم بعد از سه سال نخواهد یک کتراتی با او بیندند آن کترات و حقوقش ربطی بساین مستمری ندارد (گفتند صحیح است دیگر مخالفی نیست رای میگیریم باین ماده واحده آقایانی که این ماده واحده را تصویب میکنند ورقه سفید بینه ازند آقایان بیکه تصویب نمیکند ورقه کبود (اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آنها را بعد از (۶۳) ورقه سفید شماره نمودند .

رئیس ماده واحده با کثرت ۶۳ رای از ۷۳ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد . طرحی است که از طرف جمعی از نمایندگان که تقریباً پنجاه نفر میشوند پیشنهاد شده است قرائت میشود . (بقرار ذیل خوانده شد)

رئیس ماده واحده با کثرت ۶۳ رای از ۷۳ نفر نمایندگان حاضر تصویب شد . طرحی است که از طرف جمعی از نمایندگان که تقریباً پنجاه نفر میشوند پیشنهاد شده است قرائت میشود . (بقرار ذیل خوانده شد)

باعت اقلاب عمومی وقتل نفوس و نهام اموال مسلمین و بر تمام ایرانیان دفع او واجب و لازم است و علاوه بر اقدامات نظامی که از طرف دولت در دفع محمد علی میرزا لازم است از طرف مجلس شورای ملی که نماینده قاطبه ملت ایران است امر جدی در این خصوص صادر شود ما بسا یک حس وطن پرستی و اسلامیت ماده واحده ذیل را پیشنهاد نموده تقاضای فوریت و مذاکره آنرا در همین جلسه امروزی مجلس شورای ملی مینمایم .

ماده واحده - چون محمد علی میرزای مغضوب مفسد فی الارض و دفع آن واجب است هیئت دولت مجاز است یکصد هزار تومان به اعدام کننده یا دستگیر کننده محمد علی میرزا بپردازد (همه گفتند صحیح است) .

رئیس - چون تقاضای فوریت این طرح شده است اول در فوریتش باید رای بگیریم آقایان بیکه فوریت این طرح را تصویب میکنند قیام نمایند . (قریب با اتفاق قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد حالا باید رای بگیریم که در این جلسه رسیدگی بکنیم یا خیر آقایانی که تصویب میکنند در همین جلسه در این طرح مذاکره کنیم و رای بگیریم قیام نمایند (نیز قریب با اتفاق قیام نمودند) .

رئیس - تصویب شد - در این ماده مخالفی هست ؟

حاجی آقا - بنده عرضی داشتم

رئیس - مخالفی ؟

حاجی آقا - خیر میخواستم عرض کنم که یک کلمه (یا در اثا او) بعد از (اعدام کننده) زیاد شود گفتند صحیح است .

رئیس - پس پیشنهاد بکنید - حالا رای میگیریم بآن ماده واحده با صلاحیکه آقای حاج آقا پیشنهاد کردند بکثرت دیگر ماده واحده خوانده میشود و رای میگیریم (مجدداً با اصلاح ذیل خوانده شد) .

ماده واحده - چون محمد علی میرزای مغضوب مفسد فی الارض و دفع آن واجب است هیئت دولت مجاز است یکصد هزار تومان به اعدام کننده یا دستگیر کننده محمد علی میرزا و یا ورثه آنان بپردازد **رئیس** - با این ماده واحده باین ترتیبی که خوانده شد مخالفی هست ؟ (گفتند خیر) - پس رای میگیریم آقایانی که این ماده واحده را تصویب میکنند ورقه سفید بینه ازند (اوراق رای اخذ شده آقای حاج میرزا رضا خان آنها را بعد از ۵۸ ورقه سفید شماره نمودند .

رئیس با کثرت ۵۸ رای تصویب شد یکماده الحاقیه هم از طرف آقای مشیر حضور پیشنهاد شده است خوانده میشود (به عبارت ذیل قرائت شد) .

ماده الحاقیه - مبلغ هشت هزار تومان بوزارت جنگ اعتبار داده میشود که بقرار ذیل بمصرف برساند

۱ - مبلغ سی هزار تومان در حق کسی و بکسانی که سالار الدوله را دستگیر و یا بر طرف نمایند بپردازند .

۲ - مبلغ سی هزار تومان در حق کسی و یا

کسانی که شعاع السلطنه را دستگیر یا بر طرف نمایند کار سازی دارد (گفتند صحیح است)

رئیس - آقای کردستانی هم باین پیشنهاد کرده اند ولی پیشنهاد ایشان بیست و پنج هزار تومان است .

مشیر حضور - بنده هم باین پیشنهاد ایشان موافقم **رئیس** - بسیار خوب پس رای میگیریم در قابل توجه بودن این پیشنهاد آقایان بیکه این پیشنهاد را قابل توجه میدانند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس - قابل توجه شد - حالا در این ماده الحاقیه باورقه رای نخواهیم گرفت به قیام و قعود رای میگیریم برای اینکه مطابق آن را بورتی که از کمیسیون تفسیر داده شد و از مجلس گذشت باید در کلیه این دو ماده باورقه رای بگیریم و علت اینکه در ماده احدیه اولی باورقه رای گرفتیم برای این بود که هنوز ماده الحاقیه پیشنهاد نشده بود از این جهت حالا ماده الحاقیه را میخواهیم در آن رای بگیریم بعد در کلیه این دو ماده باورقه رای خواهیم گرفت حالا در این ماده الحاقیه مخالفی هست .

سلیمان میرزا - اینهم مثل ماده واحده اولی است یعنی همانطوری که در آن ماده آقای حاج آقا پیشنهاد کردند در اینجا هم باید لفظ ورثه نوشته شود تا باین پیشنهاد آقای مشیر حضور با اصلاح ذیل خوانده شد مبلغ پنجاه هزار تومان بوزارت جنگ اعتبار داده میشود که بقرار ذیل بمصرف برساند .

۱ - مبلغ بیست و پنج هزار تومان در حق کسی و یا کسانی و ورثه کسانی که سالار الدوله را دستگیر و یا اعدام نمایند بپردازد .

۲ - مبلغ بیست و پنج هزار تومان در حق کسی و یا کسانی و ورثه کسانی که شعاع السلطنه را دستگیر و یا اعدام نمایند بپردازد .

آقای میرزا اسدالله خان - آن پیشنهادی که بنده کرده ام عبارتست باین ترتیب تراست اجازه بدهید آنرا بفرمائید (به عبارت ذیل قرائت شد)

ببستگی کننده شعاع السلطنه سالار الدوله که بازوهای محمد علی میرزا هستند دولت مجاز است برای هر یک خودشان یا ورثه شان بیست و پنج تومان بدهد **آقای میرزا اسدالله خان** - این که نوشته اند بجز یک چیز نیست و آنست که اگر متعدد شدند بجز این از آنجا مبلغ بیست و پنج هزار تومان سانه میشود .

رئیس - آقای کردستانی چون خودتان پیشنهاد کرده اید توضیح بفرماید

آقای میرزا اسدالله خان - اولاً برای هر یک از آنها است و این احتیالی را که آقای ارباب تصور بفرمایند در این عبارت تغییر و تا باین آن جمله (حصه) بازوهای محمد علی میرزا هستند را بکنند میگیریم حذف بکنند (مجدداً پیشنهاد مزبور با حذف جمله که پس گرفته قرائت شد)

رئیس - باز همان پیشنهاد آقای مشیر حضور گمان میکنم بهتر باشد یا اگر میخواهید پیشنهاد دیگری بکنید مجدداً پیشنهاد آقای مشیر حضور خواند شد

آقای میرزا اسدالله خان - بنده پیشنهاد دیگری کرده ام اجازه بفرمایید بفرمائید (به عبارت ذیل قرائت شد)

ماده الحاقیه - وزارت جنگ مجاز است بیست و پنج هزار تومان بخرد و یاورت دستگیر کننده و یا اعدام کننده سالار الدوله و مبلغ بیست و پنج هزار تومان بخرد و یا وراثت دستگیر کننده و یا اعدام کننده شعاع السلطنه بپردازد (گفتند صحیح است)

رئیس - رای میگیریم باین ماده الحاقیه بهمین ترتیبی که خوانده شد آقایانی که این ماده را تصویب میکنند قیام نمایند (قریب با اتفاق قیام نمودند)

رئیس - تصویب شد حالا رای میگیریم بآن ماده اولی و این ماده الحاقیه - آقایانی که کلیه این دو ماده را تصویب میکنند ورقه سفید شماره نمودند .

رئیس - با کثرت پنجاه ونه رای تصویب شد دستخطی از والا حضرت اقدس آقای نایب السلطنه رسیده است قرائت می شود .

(بطوریکه فیلا درج می شود قرائت شد) مجلس شورای ملی چنانکه مکرر این معنی را کتباً و شفاهاً بهیچ شورای ملی و عموم نمایندگان محترم اظهار داشته ام باز توضیح دیگر از آنرا لازم می دانم که اینجناب از بدو ورود تا کنون وجهاً من الوجوه از قواعد مشروطیت تمام و تعاف نورزیده و از وظایف قانونی خود تجاوز و تخلفی ننموده ام وظایف قانونی نیز همان است که مفصلاً و مشروحاً در موقع ادای مراسم در مجلس اظهار داشته ام و خلاصه آن این است که موافق قانون اساسی جز امضای مقررات مجلس شورای ملی و هیئت وزراء عظام هیچگونه تکلیفی برای اینجناب منظور نبوده و نیست و این وظیفه بعد کمال و از طرف اینجناب برمی و منظور و تکلیف دیگر وجدانی اینجناب هم که عبارت از اظهار رای شخصی در مصالح کلیه منکته است مشروط و موم کون بر این بوده که اختلافات اسباب حکومت نشود چون با وجود هیچ گونه دستانی در امور از جنسی با بنظر ششیده می شود که بواسطه اختلافات با اعتراض و اشتباهات باز بعضی امور را در افواه باینجناب میهند و حال آنکه هیچ قسم دخالتی از طرف اینجناب در امور نبوده و نیست تا آنکه بر محمد اوصربحاً خاطر نمایند گان محترمه را بتوجه در اینباب جلب و برای اطلاع عموم اظهار می دارم که جز عمل بنص صریح قانون اساسی که فقط عبارت از امضای مقررات مجلس شورای ملی و هیئت وزراء است هیچگونه تکلیفی بر اینجناب وارد نبوده و نخواهد بود که چنانکه غالباً ادای تکلیف و جدای برای اینجناب معتبر بوده بدینا نیز این انتسابات اینجناب را از اظهار رای و عقاید راجعه بمصالح منکته کماقی السابقه باز میسازد و چنانکه اینجناب بوضیحه قانونی خود عمل کرده ام وظیفه و جدای عموم نیز این است که هیچ امری را منسوب باینجناب ندانم و ابداً اینجناب را داخل در امور تصور ننمایند زیرا که اینجناب موافق قواعد مشروطیت تمام امور را به هیئت وزراء عظام رجوع کرده و از در ورود تا کنون در جزئی و کلی کارها هیچ امری تصویب نداشتیم ام بدینا هم کمال فی السابق معمول خواهم داشت و اگر امری از امور باینجناب نسبت داده شود و خلاف واقع است اینجناب وجه من الوجوه ابداً قبول نخواهم کرد و متحمل نخواهم شد (جمعی تصدیق کردند) .

رئیس - دستور روز سه شنبه قانون مدرسه نظامی راپورت کمیسیون تجار تراجیح بجز مسازی راپورت کمیسیون بودجه راجح به بیست و نقره مخالفتی هست .

منتصر السلطان - میخواستم عرض کنم راپورت کمیسیون انتخابات را اگر داده اند بفرمائید طبع و توزیع بکنند و جزء دستور روز سه شنبه بگذارید و اگر هم هنوز راپورت ندادند خوب است معلوم بفرمائید کی خواهند داد و اصلاً در این دوره راپورت کمیسیون انتخابات بمجلس میآید یا نمیآید .

رئیس - هنوز راپورت کمیسیون انتخابات نرسیده است که جزء دستور بگذاریم .

حاج سید نصر الله - مخبر کمیسیون اعضاء نمایندگان مخصوصاً آن روز هم که روزنامه داد کمیسیون بود خبر کردیم آقایان تشریف نیاوردند .

رئیس - بنده خبر میکنم بیاید گویا يك جلسه کافی باشد از برای اینکه راپورت داده شود .

رئیس - پس خبر میدهم که برای روز سه شنبه حاضر بشوند و راپورت آن نوشته شود و برای روز پنجشنبه جزء دستور می گذاریم دیگر مخالفی هست (اظهاری نشد رئیس حرکت نمودند مجلس نیم ساعت قبل از ظهر ختم شد .

جلسه ۲۸۰

صورت مشروح روز سه شنبه هشتم شهر شعبان المعظم ۱۱ برج اسفند ۱۳۲۶ رئیس آقای مؤتمن الملک ۲ ساعت و پنجاه دقیقه قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس فرمودند ۲ و ۴۵ دقیقه قبل از ظهر مجلس رسماً تشکیل گردید صورت جلسه روز سه شنبه سیم را آقای آقا میرزا ابراهیم خان فرائت نمودند غائبین جلسه قبل آقایان دکتر سعید الاطباء - بهجت - بدون اطلاع آقایان : دکتر حیدر میرزا - حاج شیخ رئیس - آقا میرزا رضای مستوفی - لواء الدوله - بدون اجازه - آقای آقا محمد با اجازه آقای میرزا مرتضی قلیخان مریش .

رئیس - در صورت مجلس ملاحظاتی هست (اظهاری نشد) ملاحظاتی نیست صورت مجلس تصویب شد - رقیبه از طرف آقایان حجج اسلام و علماء اعلام رسیده است فرائت میشود (بعضیون ذیل فرائت شد) مجلس مقدس شورای ملی شیدالله ارکانه حاضر مبارک نمایندگان محترم مسبوق است که بر اکثرین تکلیف دینیه عموم مسلمین حفظ استقلال مملکت اسلامی و سعی در ترمی و شوکت اسلام است بدیهی است حوادث اسف انگیز امروزه مقدمه بردن استقلال مملکت اسلامی است مقام مقدس روحانیت اسلامی که بر حسب تکلیف شرعی در مقام حفظ استقلال مملکت در هر مورد پیشقدم بوده در این موقع نیز لازم میدانند که خساطر عموم را مستحضر نمایند که امروزه حفظ استقلال مملکت اسلامی و جلوگیری از مقاصد کسانیکه در مقام اضلال اسلام و ایراند لازم و هیئت مقدسه اتحادیه علماء مشغول انجام وظیفه خود واز نمایندگان محترم نیز ۲ مطلب

را متنی است یکی آنکه هر گونه اقداماتیکه از وظایف مقام علماء است بنظر آنها برسد اعلام دارند تا اقدام شود دیگر آنکه برای سرعت تأثیر اقدامات هیئت معجل در مقام جلب قلوب ملت بر آمده رفیع موجبات تنفر عامه اسباب خوشنودی عموم را فراهم نمایند (هیئت اتحادیه علماء) آقای آقا شیخ محمد تقی آیه الله زاده - آقای آقا سید کمال الدین بهبهانی آقای آقا سید حسین - آقای سلطان العلماء - آقای آقا حسن حایری شوشتری - آقای آقا سید حسن پروجری - آقای آقا سید محمد معروف بعصار - آقای آقا میرزا سید محمد بهبهانی - آقای آقا شیخ عبدالعزیز کنی - آقای صدر العلماء - آقای آقا میرزا محسن - آقای آقا سید محمد حیاط شامی - آقای آقا شیخ محمد عرب - آقای آقا شیخ محمد صادق کاشانی - آقای آقا شیخ محمد تقی نهاوندی آقای حاج سید هادی نوری - آقای آقا شیخ عبدالله آقای آقا شیخ محمد حسین یزدی - آقای آقا سید زین العابدین - لوائی - آقای آقا سید موسی نجل مرحوم آقا سید ریحان الله - آقای آقا سید محمد نجل مرحوم آقا سید ریحان الله - آقای آقا سید مهدی حجة الاسلام زاده افجه - آقای آقا میرزا علی طهرانی - آقای آقا سید احمد ماوندی - آقای حاج سید مصطفی - آقای آقا سید محمد یزدی - آقای آقا سید علی آقا - آقای آقا شیخ محمد رضای آقا شیخ بافر .

رئیس - آقایان حجج الاسلام و علماء اعلام بخوبی مسبقند که استقرار اساسی مشروطیت بیشتر برای اجرای احکام و حفظ مملکت اسلامی و ترتیبات و تهیه موجبات آسایش عمومی است که مقصد اصلی دین مبین است بوده این است که از بدو امر آقایان حجج الاسلام و علماء اعلام در استقرار این اساس سه قسم مساعدت و مجاهدت را فرمودند و از هیچگونه همراهی مضایقه نکردند در این موقع هم که این ترتیبات پیش آمده است از مبدول این مرقومه بخوبی معلوم میشود که آقایان حجج الاسلام بخوبی متوجه این نکته شده اند که وضعی که تازه دارد پیش میآید چه عاقبت و خوبی از برای مملکت اسلامی دارم نام متوقع و مترصد بودیم که از طرف آقایان حجج الاسلام اینگونه اظهارات بشود هر چند دولت اقدامات کافی نموده و استعدادی برای جلوگیری از این ترتیباتی که پیش آمده بخوبی فراهم کرده ولی از طرف دیگر چنانچه به همراهی و مساعدت معنوی آقای حجج الاسلام محتاج بودیم حالا هم بوده و همیشه خواهیم بود البته آقایان نمایندگان با بنده همراه هستند که جواب آقایان حجج الاسلام و علماء اعلام مبتنی بر تشکر و امتنان از طرف مجلس نوشته و در جلسه آنه فرائت شود و خدمت آقایان فرستاده شود (هموناً گفتند صحیح است) دستور امروز یعنی امروز روز سه شنبه چنانچه ملاحظه فرمودید سه فقره بود که دو فقره از آنرا وزارتخانه مسترد کردند تا باره ملاحظاتی بنمایند این بود که نتوانستیم روز سه شنبه مجلس را منعقد کنیم نظامنامه انتخابات هنوز حاضر نشده بود دیروز حاضر و طبع و توزیع هم شد چنانچه

مخالف نباشد امروز مذاکره شود (اظهار موافقت کردند) حاج شیخ علی خراسانی - مقصود از مذاکره در کلیات اگر قبول وعدم قبول است کسی مخالف نیست و اساساً يك قانونی است که هیچکس مخالف نیست اما اگر راجح بنواقص است در اول این قانون ذکر شده است صورتیکه عدالتناپذیران را معین خواهد کرد باین نظامنامه منضم خواهد شد و تا بحال طبع و توزیع نشده و ما داده نشده است آیا از کمیسیون راپورت ندادند یا اینکه راپورت داده اند ولی هنوز طبع و توزیع نشده است میخواستم این را از آقای مخبر شوال کنم که جواب بدهند چون این مسئله ناقص است .

ذکاء الملک مخبر کمیسیون - حوزه بنده بها هنوز کلاماً تمام نشده است و علاوه مذاکره کردن در این قانون متوقف بر حوزه بندی نخواهد بود و آنهم عنقریب تمام خواهد شد و علیحده باید بیاید و در مجلس گفتگو شده و رای گرفته شود .

رئیس - دیگر در کلیات مخالفی نیست (گفتند خیر) رای میکنیم که داخل مواد شویم آقایانیکه تصویب میکنند قیام نمایند (اغلب قیام نمودند)

رئیس فصل اول میآید برای بعد . ذکاء الملک - ماده اول و دوم بطوریکه فرمودند میان برای بعد پس از آنکه آن جدول حاضر شد در این دو ماده مذاکره خواهد شد .

رئیس ماده سیم فرائت میشود (بهارت ذیل فرائت شد)

فصل دوم شرایط انتخاب کنندگان ماده سیم - انتخاب کنندگان اشخاصی خواهند بود که دارای شرایط ذیل باشند (۱) تبعه ایران باشند (۲) لااقل بیست سال داشته باشند (۳) معروفیت محلی داشته و اگر بومی یا متوطن بآن محل باشند لااقل ششماه قبل از انتخاب در محل انتخاب با توابع آن سکنی داشته باشند (۴) لااقل دارای یکصد و پنجاه تومان علاقه ملکی یا ده تومان مالیات بده باشند یا سی و شش تومان عایدی - سالیانه داشته باشند مگر محصلین مدارس از این شرط معاف هستند .

حاج وکیل الرعایا - گمان میکنم مجلس هم صلاح نداند ماز اینچا صد و پنجاه تومان علاقه کلی را شرط قرار بدهیم یا آنکه ده تومان مالیات بده باشند نباشد که این اعتقاد را داشته باشد که اشخاص بی بضاعت حق انتخاب و مداخله در امور سیاسی را نداشته باشند ولی يك نظر دیگری هست و آن نظری است که در واقع میتوان گفت مردمان بی شرف هستند آنها دخالت در امور سیاسی نکنند نظر باینکه مسئله این ترتیب را در کمیسیون اخذ کرده اند که یکی از این سه امر را قرار داده اند و حدی را که قرار داده اند اول مراتب است که اگر از آن کمتر شد میتوان گفت که آن اشخاص و اقماً حق ندارند مداخله در امور مملکت نمایند و اگر نباشد يك آدمی روزی يك نفران عایدی نداشته باشد البته تقریباً میتوان گفت که است و گدا حق دارد در مملکت مانده باشد اما ما هم تناسب با یکدیگر این است ما تصدیق داریم که صد و پنجاه تومان علاقه ملکی یا ده تومان مالیات یا سی و شش

چیز زیادی نیست و این میسراند که از طبقه مملکت هم باید داخل باشند یا لااقل ده تومان مالیات بده باشند اگر این دو تمام نشد آنوقت عایدی سالیانه اش سی و شش تومان باشد یعنی روزی یک نفران عایدی داشته باشد آن وقت باید دید در این مملکت چقدر اشخاص هستند که روزی یک نفران عایدی دارند که بتوانند گذران کنند و این سی و شش تومانی را که اینچا نوشته است و باید داشته باشید این معنی اشتباه میکند آن اشخاصی را که در ماده بعد میآید یعنی منع کرده است آنها را که متکدیان هستند یا آن هائیکه از يك محل با شرفی کسب معاش نمیکنند که از انتخاب کردن محروم باشند .

دکتر حاج رضا خان - اگر ملاحظه بفرمائید آقای معز الملک آن بیان خودشان را خواهند دید که ده تومان مالیات و یکصد و پنجاه تومان دارائی هیچ متناسب نیست و لغو است برای این که میگویند هر کس بتواند روزی يك نفران پیدا بکند این خودش میفهماند که این عایدی عایدی ماهانه نیست یعنی عایدی روزانه است پس هر کس لا بد يك محل معاش دارد و روزی يك نفران را پیدا خواهد کرد حالا آن شخص به پیشرفته زندگی گردید یا شرف دیگران را میبیرد که عایدی شما از چه محل است یا ده تومان مالیات میدهی یا نمی دهی در صورتیکه این عایدی عایدی ثابت نیست بنده بکلی آن صد و پنجاه تومان دارائی و ده تومان مالیات را لغو میدانم بجهت این که ده تومان مالیات را در ایران يك کسی میبهد که اقلاً سه هزار تومان یا اقلاً پانصد تومان علاقه داشته باشد و اگر آن عایدی را با صد و پنجاه تومان ملک بنسیم می بینیم که الا این سه جمله متضاد و هیچ متناسب با هم نیست و آن عایدی هم که عایدی ثابت نباشد یعنی عایدی از پول یا ملک باشد و فقط عایدی روزانه باشد دیگر این دو قسم را (یعنی مسئله مالک بودن و مالیات بده بودن) را لازم ندارد .

ذکاء الملک - من میزانی از شرف را شرط قرار دادن در انتخاب بدو نظر است یکی بنظر اینکه شخص معتقد باشد که اشخاصیکه منتخب میشوند باید متمول باشند و دیگری نظر باینکه برای آنها يك مزیت و برتری تصور میکنند و میگویند فقط آن ها باید حق انتخاب داشته باشند و آن هائی که متول ندارند و فقیر و بی بضاعت هستند حق ندارند گمان میکنند که در مجلس شورای ملی ایران کسی نباشد که این اعتقاد را داشته باشد که اشخاص بی بضاعت حق انتخاب و مداخله در امور سیاسی را نداشته باشند ولی يك نظر دیگری هست و آن نظری است که در واقع میتوان گفت مردمان بی شرف هستند آنها دخالت در امور سیاسی نکنند نظر باینکه مسئله این ترتیب را در کمیسیون اخذ کرده اند که یکی از این سه امر را قرار داده اند و حدی را که قرار داده اند اول مراتب است که اگر از آن کمتر شد میتوان گفت که آن اشخاص و اقماً حق ندارند مداخله در امور مملکت نمایند و اگر نباشد يك آدمی روزی يك نفران عایدی نداشته باشد البته تقریباً میتوان گفت که است و گدا حق دارد در مملکت مانده باشد اما ما هم تناسب با یکدیگر این است ما تصدیق داریم که صد و پنجاه تومان علاقه ملکی یا ده تومان مالیات یا سی و شش

تومان عایدی سالیانه با هم متناسب نیست ولی چون نظر باین نموده است که متول را شرط قرار بدهیم باین جهت رعایت این تناسب را نکرده ایم مقصود متول نیست مقصود این است که آن اشخاصیکه حق انتخاب دارند آدمی باشند که مری معاشی داشته باشند و این ترتیب را کافی دانستیم ولی معذک اصراری نداریم که حتماً این سه شرط مجری باشد هر گاه پیشنهادی بکنید قبول خواهیم کرد .

حاج شیخ علی خراسانی - آنچه که اساس حکومت ملی است همین حق انتخاب است و حکومت ملی حکومتی را می گویند که همه اشخاص در آن حکومت حق داشته باشند و آن همین حق انتخابی است که بجمع اهالی داده میشود اهالی ایران که چهار قسم بیشتر نخواهد بود یا مالکنند یا زحمت کشان یا اهل علم یا اهل نظام اشخاصیکه داخل در نظام هستند بواسطه تجربه هائی که شده است در همه ممالک آن ها را از رأی دادن محروم نموده اند بجهت آن ضرری که تصور بوده است آن وقت آن اشخاصیکه زحمت میکنند در این مملکت که باید رای بدهند یا باید يك میزانی بجهت آن ها معین کنیم که بچه حدی که رسیدند حق رأی دادن در انتخاب را دارند بیست سال داشته باشند تبعه ایران هم باشند این صحیح است آن وقت در صورتیکه تصدیق بکنیم که در سال سی و شش تومان از عایدی ملک یا از زحمت کشیدن خودش داشته باشد دیگر صد و پنجاه تومان در تحت این قسمت مستهک است هر کس که صد و پنجاه تومان ملک داشته باشد لا بد در سال سی و شش تومان عایدی دارد چه طور میشود کسی صد و پنجاه تومان علاقه ملکی داشته باشد ولی دو سال سی و شش تومان عایدی نداشته باشد که خرج بکند پس از کجا خرج میکند ممکن است که يك شخصی در ایران بیست سال داشته باشد و سی و شش تومان در سال عایدی نداشته باشد که صرف معاش بکند پس آن وقت داخل در همان اشخاص بی شرف خواهد بود که از طریق غیر مشروع مری معاش خود را بدست میآورند و اگر از مریشرعی بتوانند بدست بیاورد وقتی که سی و شش تومان عایدی زحمت کشان را در قرار دادیم دیگران ده تومان مالیات آن ها تحت آن هست و آن دو قسمت اولی زیاد است و لازم نیست زیرا آن کسی هم که ده تومان مالیات بده هست بدیهی است که سی و شش تومان عایدی دارد پس این قید زائد است همان يك قسمت سی و شش تومان چه از عایدی و چه از ملک کافی است و آن دو قسمت زیاد است نه این که این مقصود باشد و بهیچوجه علاقه و عایدی نداشته باشد و يك شخص بی شرفی باشد بجهت این که سی و شش تومان که عایدی داشت اعم از اینکه زحمت کش باشد یا از عایدی ملک باشد همینکه بگویند که از محل مشروع در سال بجهت معاش خودش تحصیل میکنند کافی است دیگر لازم نیست باینکه آن دو قسمت دیگر را بنویسیم که اسباب اشکال فراهم بیاید .

معز الملک - اولاً بنده تصور میکنم که کلمه (بی شرف) اینجا نباید تکرار بشود بجهت این که يك کسی عایدی و علاقه نداشته باشد لازم

نیاید که بی شرف باشد اما در اصل مسئله معلوم میشود آقایان دکتر حاج رضا خان و آقای حاج شیخ علی اساس مسئله را تصدیق دارند بجهت اینکه میفرمایند اگر سی و شش تومان عایدی سالیانه داشته باشد دیگر آن دو شرط لازم نیست پس اساس مسئله را مسلم دارند و میگویند که آن دو شرط زائد است و بنده دیگر در اساس مسئله حرف نمیزنم ولی اکتفا کردن بهمین سی و شش تومان عایدی سالیانه هنوز کافی نیست بجهت این که با این مسئله و شرط دیگر را زیاد کردن دائره را وسیع تر میکند بجهت این که مثلاً ممکن است يك کسی يك خانه داشته باشد که یکصد و پنجاه تومان قیمت داشته باشد و ممکن است این خانه فعلاً در دست او نباشد پیش یکی رهن گذاشته باشد عایدی آن بدست او نرسد ولی این خانه که از ملکیت او خارج نشده است دارای ملکیت است که صد و پنجاه تومان قیمت دارد و در صورتیکه اگر فقط شرط کنیم که سی و شش تومان عایدی داشته باشد ممکن است آنوقت اوصاحب ملک صد و پنجاه تومانی باشد و لکن سی و شش تومان عایدی نداشته باشد و مطابق قیدیکه کردیم از انتخاب محروم است در صورتیکه آن کسی که يك خانه صد و پنجاه تومانی دارد ولو اینکه در این دوره سی و شش تومان عایدی ندارد او هم باید حق داشته باشد انتخاب کند یا بطور دیگری آنها تیکه در اطراف هستند ممکن است يك فنانی داشته باشند و این يك ملکی است که ده تومان مالیات دارد لکن آلان فنانش مغرور است باید صاحب آن بعد ها زحمت بکشد تا آن رادائر نماید که بعد از این فایده از آن ببرد ولی مطابق ترتیب مالیاتی که برقرار شده است ده تومان از این شخص مالیات میگیرند حالا ظلم است این بنده کار ندارم اگر فقط اکتفا بشود باینکه سی و شش تومان عایدی سالیانه داشته باشد آنوقت ممکن است سی و شش تومان عایدی سالیانه را نداشته باشد در آن صورت حق انتخاب کردن را ندارد عرض کردم که گفته اند این هر سه شرط مجبوعاً در یکی جمع باشند گفتند که با این باید باشد یا آن یا آن و خود این مسئله اسباب وسعت دائره است و بیشتر حق میدهد بکسانی که انتخاب می کنند در صورتیکه اگر سی و شش تومان عایدی را بنویسند ممکن است صد و پنجاه تومان علاقه ملکی داشته باشد و یا ده تومان مالیات بده باشد و سی و شش تومان عایدی نداشته باشد پس باینجهت وقتیکه اساس مسئله تصویب شد بنده هیچ اختلافی نمی بینم در این سه فقره که با صد و پنجاه تومان دارائی داشته باشد یا ده تومان مالیات بده باشد و اگر این دو تا فراهم نبود منحصر بود بقیمت سیم یعنی چه یعنی روزی یک نفران داشته باشد که بتواند گذران بکند .

آقای سید حسین اردبیلی - نظر بنده راجح بقیمت سیم ماده است و آن معروفیت محلی است که برای انتخاب کننده شرط قرار داده اند نمی دانم بچه ملاحظه است که این شرط را در این جا قید کرده اند با ما میشود اگر این شرط را قبول بکنیم يك جمعی را انجمن نظار رد بکنند و بگویند بواسطه عدم معروفیت شارا قبول نداریم و بقیغه بنده این

معروفیت باید در انتخاب شونده ملحوظ باشد نه این که در انتخاب کننده شاید باینکه دارای این شرایط سابقه بود معروفیت محلی در او نبود یعنی کسی نبود که بامردم معاشرت داشته باشد و غالباً او را نشناخته باشند در انتخاب کننده این قید را زائد میدانم و باید این قید حذف شود والا جمعی کثیر از انتخاب محروم میمانند.

لواءالدوله

عرض میکنم اگر ترتیب انتخابات بی شرط باشد همه حق دارند حق هیچکس را هم نباشد سلب کرد آن اشخاصیکه در این جا علاقه دارند و دلشان میسوزد باید آنها انتخاب کنند و انتخاب نشوند امروز اگر بنده خانه نداشته باشم هیچوقت محتاج آب نیستم آب مملکت کم شد کم شد که نداشته باشم هیچوقت نیگویم آب چطور شد زندگانی من میبرد در صورتی که انسان یک علاقه نداشته باشد نمیگوید اجنبی آمد شهر مرا تصرف کرد تصرف کرد کرد بجال من چه فرق میکند اینجا هستم نشد جای دیگر میروم هر جا رفتم رفتم گرانی شد شد همینقدر نان که یکبارسی گران تر شد فردا میروم آن جا باینکه ارزان تر است اما اگر علاقه داشته باشد دلش بجال خودش میسوزد و نوع خودش را هم آنوقت مثل خودش میندازد اما اگر آن شخص دارای چیزی نباشد یعنی (۳۶) تومان عایدی را نداشته باشد و علاقه ملکی هم نداشته باشد خوش نشین است هیچوقت دلش نمیسوزد و آن اشخاص بیعلاقه را انجمن نظار شاید نشناسد و اجنبی باشد و اجنبی در انتخاب پذیرفته نیست.

محمد هاشم میرزا

این برد که جزء ماده ۱۰۰ می باشد که یکی در معروفیت محلی و دیگری در علاقه بطور مبسوط مذاکره میکنند ولی چون حالا آقای لواءالدوله در علاقه صحبت کردند مخالفت بنده این است که عرض میکنم آقایان تصور میکنند علاقه فقط منحصر بملک است خیر اینطور نیست بلکه علاقه همه چیز است قوم تویش علاقه نوع علاقه حدوطن علاقه است آقایان تصور می کنند که اگر بنده ملکی داشته باشم بواسطه مالیاتی که بر من تحمیل میشود علاقه دارم ولی تصور نمی کنند که اگر یک قانون بنی راجع بنظام گذشت و بنده جزء نظام بودم بواسطه آن قانون بمن تحمیل میشود یا قانون دیگری گذشت راجع بمجازات بنده را گرفته و بدون دلیل مجازات کردند و مکافات دادند و کسان بنده و خویش آورد بنده را بقید اسارت گذاشتند این علاقه نیست هزار علاقه هست که هزار و یکم او یکصد و پنجاه تومان ملک است تصور میکنم و آقایان علاقه را بمعنی لغوی و اصطلاحی منحصر بصد و پنجاه تومان ملک کرده اند و بنده علاقه را خیلی اعم از اینها میدانم و رد میکنم فرمایش آقای لواءالدوله را که میفرمایند اگر بنده کسود و پنجاه تومان ملک نداشته باشم خوش نشین است هر جا دلش خواست می رود گمانم این است که اشخاصیکه در راه آزادی کشته شدند باید علاقه نداشته باشند برای ورته آنها پنج تومان و دو تومان و یک تومان در مجلس تصویب کردند برای همیشه آنها و یک نفر کشته نشد در راه آزادی که صد هزار تومان علاقه داشته باشد و بنده شاید ندیده باشم و اگر هم بوده گمان ندارم بهمین قصد و نیت

گفته شده باشد و می بینم آنها باینکه علاقه دارند کمتر داخل اینگونه امورات میشوند مطالبیکه آقای مغیر فرمودند که اگر ما یک ماده پیشنهاد میکنم رفع این سوء تفاهم بشود یعنی اشخاصیکه بی شرفی تحصیل معاش میکنند دخالت نداشته باشند عرض میکنم اشخاصیکه افکارشان از روی اساس نباشد ابد آنرا بطور امور قدم نمی گذارند ملاحظه میکنم الا باشد و در رویه خیال آنست که چطور زندگی خود را به راه بیندازد این ماده وقتی در کمیسیون مذاکره بود این شرط بکلی رد شده بود و قرار شد که بکلی حذف شود آنوقت آن شرط هم تمامه بماند و بعد از آن آقای مرزا الملک هم گویا نظرشان بر آن ماده بوده است ولی آن ماده گذشت و این شرط رد شد و قرار شد بجهة جلوگیری آن شرط بجهة ممنوعیت انتخاب گذاشته شود بجهة اینکه همان شرط که در آخرین ماده گذاشته شده است که محصلین و اهل علم مستثنی هستند معلوم میشود معنی اینست که اگر آنها چیزی نداشته باشند باز با شرف هستند و کسیکه دارای صفات پسندیده و اخلاق حمیده باشد با شرف است و اگر دارای صفات مذموم باشد بی شرف است و اینکه میگویند اگر کسی و شش تومان عایدی نداشته باشد نمیتواند زندگانی بکند و باید تکدی کند خیلی از نقاط ایران هست همه جا را بطهرا و آذربایجان و سایر نقاط نگاه کنید از قبیل سیستان و قائنات و طبس کرمانشاهان و غیره خیلی اشخاص هستند که یک نفر شخص با خانواده خودش در سال با بیست تومان معاش میکنند و با شرف هم هست ولی اگر دارای صفات مذموم باشد بی شرف است چه دارای صد هزار تومان باشد چه هیچ نداشته باشد عقیده بنده اینست که همان شرط هفتم که در ماده بعد گذاشته شده کافی است و خادان آقایان مسبوق باشد که ما بنام سی کرور مت ایران صحبت میکنیم و بی نام سی کرور ملت حرف میزنیم و با این شرایط زیاد کم کم بصد هزار خواهد رسید به در تهران و آذربایجان و رشت آنجاها را بنده تصدیق میکنم که ۳۶ تومان عایدی اگر نداشته باشد نمیتواند زندگی کند ولی جاهای دیگر اینطور و این شرایط زیاد اغلب مردم را از حق انتخاب خارج میکند مثلا جانی قاتل متجاهر بسوق نداشتن علاقه آنوقت بنده بیایم اینجا باید بگویم نماینده سی هزار نفر نه سی کرور و توسعه ندم یعنی آن هائیکه واقعا میتوانند مشارکت داشته باشند در امور محروم از انتخاب نباشند میدانید اشخاصی که نمیتوانند بیایند رأی بدهند اهل نظام و متجاهر بسوق و غیره هستند نه بانداشن سی و شش تومان عایدی ممکن است که بنده سی و شش تومان حقوق دولتی داشته باشم یا اینکه سی و شش تومان عایدی ملکی داشته باشم در صورتیکه بانصد تومان کفایت مخارج بنده را بکند و باز من تکلی بکنم البته کفایت نکند تکدی میکنم و بیشتر از این مذاکره از وظیفه شخصی بنده خارج است دیگر عرضی نمیکند و این شرط هیچ از روی ندارد و این صد و پنجاه تومان هم هیچ علاقه نیست همان طور که فرمودند ممکن است صد و پنجاه تومان داشته باشد و باز تکدی کند.

رئیس - مذاکرات کافی است؟ (گفته شد

مهز الملک - اولاً این نکته که فرمودند که چون این شرایط انتخاب کنندگان است جهت ندادن که در شرکتان بتصیر حق انتخاب کردن را نداشته باشند بنده عرض میکنم که ممکن است آنوقت تمام ورشکستها جمع شوند یک نفر ورشکسته را انتخاب بکنند و ثانیاً این خودش یک مجازاتی است در تمام عالم در مقابل یک مجازاتی حقوق مدنی را از انسان سلب میکند این خودش یک نوع مجازاتی است یعنی کسیکه میتوانست آن اطمینانی را که مردم باو داشتند آنرا بوقع اجرا بگذارد و کسیکه عمداً ورشکسته به تصریح مال مردم را ببرد لیاقت این را ندارد که داخل در امور مملکت بکند باینجهت کلیه این حق را که یکی از حقوق مدنی است او را سلب میکنند و این هیچ عیب و هیچ منافات ندارد با جانی و خیلی هم خوب است.

حاج وکیل الرعایا بنده خیلی حیرت میکنم و عرض میکنم که در آن اول محروم کردن نسوان است که یک قسمت از مخلوق خداوند است که آنها را محروم کنیم با کدام دلایل منطقی میتوانیم آنها را محروم بکنیم حیرت کردم اگر ما چه بخواهیم چه نخواهیم در هر صورت ما محکوم بعمل کردن بقرآینم آنها که نمیخواهند بروند و نخواهند که مجبور باطاعت نیستند پس باید بدانیم در اینجا چه دلیلی داریم که آنها را باید محروم بکنیم اگر دلیل منطقی داریم که آنها را محروم بکنیم اول کسیکه این طوق را بگردن خودش بیندازد بنده هستم و اگر میخواهیم ببینم بچه جهت آنها بشینند اگر بگوئیم باید محفوظ باشند این شرط روی دادن آنها لازم نیست که داخل مرد ها بشود ممکن است که خودشان عالم داشته باشند همه چیز داشته باشند این مخلوق خدا تا چه وقت محروم باشند یک حماقت محبوب خدا آنقدر بدلت باشد که یک چیزی که نشانه انسانیت است از آنها بروز کند کم کم عقب کشیدیم تا باندازه عقب کشیدیم در زیر این پنهان شدیم.

ذکاء الملک - یک نزاع خیلی بزرگی است این مسئله ولی مترقب نبودیم که اینجا پیش بیاید عرض میکنم بنده گویا از همه کس بیشتر خواهواه این هستم که زنهای یک حقوق عمده داشته باشند خیلی مرتب زندگانی صحیحی داشته باشند و حقوق ثابتی معینی که دارند داشته باشند عرض کردم این یک نزاع بزرگی است و بنده مترقب نبودم که حالا این مذاکره پیش بیاید و بنده هم خیلی مشتاق هستم که ترتیب حال نسوان در این مملکت خوب بشود و ترقی نمایند و از این زندگانی که در واقع زندگانی محسوس است از این بیرون بیایند و هیچکس نیست که متأسف نباشد از اینکه وضع زندگانی آنها خوب نیست ولی اینکه ما سلب آن حق را از آنها کرده ایم محتاج بدلیل و برهان نیست که توضیح بدهم هر وقت که ممکن بود زنهای بیایند شرکت در انتخابات بکنند و رأی بدهند فوراً تصدیق خواهیم کرد.

حاج سید ابراهیم - اینجا ما شرایط انتخاب کننده ما را ذکر میکنم باینجهت بعضی شرایط که راجع بانقلاب شونده است نباید ذکر شود مثلا ورشکسته به تصیر لیاقت اداره کردن امورات و رأی دادن سیاست مملکت را ندارد ولی ورشکستگی سبب نمیشود که حق رأی دادن از او سلب شود و همچنین مقصرینی که مستوجب مجازات قانون اسلامی شده اند مادام الحیوة حق انتخاب از او سلب بشود صحیح نیست ممکن است فرضاً شخص مستوجب مجازاتی شد و آن مجازات را هم دید دیگر اینکه مادام الحیوة باید محروم باشد این صحیح نیست و آن پیشنهادی که آقای ادیب التجار کرده بودند آنها هم اگر قبول میشد در اینجا ذکر میشد که در تحت حمایت خارجه هم نباشد که مفهوم آن پیشنهاد هم باشد.

حاج شیخ اسدالله - اشکالیکه بنده دارم در این ماده چهارم است در این فصل مینویسد در شرایط انتخاب کنندگان آن وقت در ماده در ذیل آن دارد که یکی شرایط و دیگری موانع رامسی

نویسد پس این ماده چهارم شرایط نیست که اینجا نوشته شده است و فصل دوم راجع بشرایط است و شرایط فقط همان ماده سیم بود که نوشته شده است و ماده چهارم شرایط نیست و موانع است این یک اشکال و دیگر عرض بنده این است که تبعه ایران را بعد از آنکه در ماده سیم نوشت کفایت میکند دیگر لازم نیست دو مرتبه بنویسد تبعه خارجه نباشد و همان یک فقره کفایت میکند و یک فقره دیگر آنکه مینویسد پنجم - اشخاصیکه کمتر از بیست سال داشته باشند حق انتخاب ندارند این را هم در ماده پیش گذشت دیگر اینجا این را زیاد میمانم یکی دیگر فقره هشتم - مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین بارتکاب قتل و سرقت و امثال آن که شرعاً برائت خود را حاصل نکرده باشند و آن اینست که این حق را از این اشخاص که سلب میکنند این مجازاتی است که از برای اقرار داده اند و آن وقت که ما برای آن شخص مجازات قرار دادیم فرق نمیکند که مجازات او مجازات قانون اسلامی باشد یا مجازات قانونی مملکتی باشد منحصر کردن مجازات قانون اسلامی بنده این را کافی میدانم بلکه نوشته شود مستوجب مجازات اسلامی و قانونی مملکتی شده باشد بهتر است و باید اشخاصی را هم که مستوجب مجازات قانونی شده باشند محروم کرد که دیگر حق انتخاب کردن نداشته باشند که دیگر هوس خلاف قانون نداشته باشند در ضمن یکی از همان قانون هائیکه سابق گذشت و حالا نظرم نیست حق را از آنها سلب کردیم در هر حال بنده عقیده ام اینست که هر کس مستوجب مجازات قانونی مملکتی شده باید این حق را هم از آنها سلب کرد بجهة اینکه یک مجازاتی جهت آنها قرار داده شود.

ذکاء الملک مخبر - بیانات آقای آقا شیخ اسدالله منافاتی نداشتن عرض اسلامی و غیر اسلامی نیست مقصود اینست که مجازات قانونی و چون مجازات قانونی لابد در مملکت موافق قانون اسلام است این است که نوشته اند اسلامی و کافیت.

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (بعضی گفتند کافی است و بعضی اظهار نمودند کافی نیست) رئیس - آقای مدرس موافق هستید (مدرس بلی)

مدرس - از اول همه تاحال بسیار در بر و بیبر ممالک اتفاق افتاده بود برای بنده ولی بنده بر لزوم نیامد و امروز بدین برززه آمد اشکال بر کمیسیون اینکه اولاً نباید اسم نسوان را در منتخبین برد که از کسانی که حق انتخاب ندارند نسوان هستند مثل اینکه بگویند از دیوانه ها نیستند سفها نیستند این اشکال است بر کمیسیون و اما جواب ما باید بنهیم از روی برهان تراکت و غیر تراکت رفاقت است از روی برهان باید صحبت کرد و برهان این است که امروز ما هر چه تأمل میکنیم می بینیم خداوند قابلیت در اینها قرار داده است که لیاقت حق انتخاب را داشته باشند مستضعفین و مستضعفات و آنها از آن نمره اند که عقول آنها استعداد ندارد گذشته از اینکه در حقیقت نسوان در مذهب اسلام ما در تحت قیمومیتند الرجال قوامون علی النساء در تحت قیمومیت

رجال هستند مذهب رسمی ما اسلام است آنها در تحت قیمومیتند ابداً حق انتخاب نخواهند داشت دیگران باید حفظ حقوق زنها را بکنند که خداوند هم در قرآن میفرماید در تحت قیمومیتانند و حق انتخاب نخواهند داشت هم دینی هم دنیوی این مسئله بود که اجمالاً عرض شد لکن بشرایط دیگر خیلی مطلب داشت در قانون مجازات خارجه دیده ام در قانون مجازات خودمان هم که داریم این است که یکی از تادیبها و تربیت اخلاقی سلب حقوق مدنیت است که بقدر مدارس کبیره تهذیب اخلاق میکنند که مردم اخلاق را مذهب میکنند که آن حقوق را حق داشته باشند و این لفظی که آقا فرمودند (اسلامی) لفظ غریب و عجیبی بود که از اول افتتاح پارلمان تاحال گفته نشده بود امروز قانون سی کرور از اهل اسلام تصویب مجلس مقدس رسیده قانون اسلام است و اشکال ندارد قانونی که در مملکت موضع میشود هر جا لفظ قانون میگوئیم یعنی قانون اسلام اعم از اینکه بنامین اولیه یا بنامین ثانویه باشد الان که رأی داده شد و ما هم گفتیم در تلگرافات هم نوشتیم که امروز مدافعه بر مسدود لازم است که اشخاصی که برای شرارت میآیند نباید دفعشان کرد پس هست این گفته که گفته ایم صد کرور خرج بردارد یا یک کرور خلق کشته شود این حکم اسلام است اگر حکم اسلام نبود ممکن نبود مجلس شورای ملی اسلامی بگوید و علماء هم تصویب بکنند پس در هر جا که قانون اسلام است باید دقت کرد سر موی برخلاف نشود.

رئیس - دوفقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود - (از قرار ذیل قرائت شد) ۱ - از طرف آقای حاج سید ابراهیم بنده پیشنهاد میکنم که ماده چهارم از شرط پنجم تا آخر این طور نوشته شود: ۵ - اشخاصی که کمتر از بیست سال داشته باشند ۶ - متکدیان و اشخاصی که بواسطه بی شرفانه تحصیل معاش مینمایند ۷ - مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند مادام که مجازات نشده اند و معروفین بارتکاب قتل و سرقت و امثال آنکه در محکمه قانونی برائت خود را حاصل نکرده باشند اهل نظام بری آقای ادیب التجار - این اصلاح را تقدیم مینمایم که ضمیمه جله سیم در ماده چهارم شود بطریق ذیل ۳ تبعه خارجه و تحت حمایت و تأمین خارجه نباشند (۳) از طرف آقای لواءالدوله بنده پیشنهاد میکنم که این شرط بر شرایط ماده چهارم افزوده شود و هم اشخاصیکه در تحت حمایت خارجه نباشند.

رئیس - این پیشنهادها هم فرستاده می شود یکمسیون. ماده ۵ اشخاصیکه بشرط از انتخاب نمودن محرومند ۱ - حکام در قلمرو مأموریت خود. ۲ - مستخدمین ضابطه و نظمی در محل خدمت رئیس - در ماده پنجم مغالطی هست؟ آقای میرزا احمد - بنده فقط با شش سوال دارم از آقای مخبر که مراد از مستخدمین ضابطه و نظمی مراد است حتی اعضاء اداری آنها یا آنکه فقط مأمورین اجرا مراد است دیگر آنکه مراد از ضابطه

همین اداره امنیه است یا چیز دیگر است خوبست آقای مخبر این را توضیح فرمایند

ذکاء الملک - اما لفظ ضبطه که نوشته شده است مراد همان امنیه است و این اصطلاح سابق است که در نظامنامه انتخابات سابق هم ضبطه نوشته شده بود و در خصوص امضاء اداره امنیه یعنی ضبطه و نظیمه بدیهی است که امضاء اداری مستثنی هستند مراد همان اهل نظام بوده است

دکتر سعید الاطباء - در اینجا قید کرده است که حکام در قلمرو مأموریت خود محروم هستند از انتخاب کردن و معاونین حکام هم حکم حکام را دارند و اگر آنها بخواهند دست بندگی بکنند بخوبی می تواند باینجهت بنده عقیده ام اینست که آن ها را باید محروم کرد و معاونین حکام را هم تصریح کرد

ذکاء الملک - چون مسئله سلب حق انتخاب از حاکم برای بنده هنوز محل تردید است و دلیلی نمی بینم که حاکم از انتخاب کردن محروم باشد از انتخاب شدن باید محروم باشد ولی در انتخاب کردن دلیلی از برای منع نمی بینم این است که معاونین حکام را دیگر ننویسیم معذک در کمیسیون تجدیدنظری خواهد شد اگر لازم دانستند نوشته میشود

حاج سید ابراهیم - بنده هم با آقای دکتر هم عقیده هستم و لازم میدانم که معاونین حکام قید شود ولی این دفاعی هم که آقای مخبر فرمودند از عقیده خودشان بود که دفاع فرمودند نه از عقیده کمیسیون است

رئیس - هر کس عقیده اش است پیشنهاد بکنند **مهرز الملک** - در کمیسیون هم لفظ معاون بود نمیدانم چه شده است که بعد برداشته اند **رئیس** - دیگر مخالفی نیست باین ماده (اظهار شد خیر)

رئیس - عجالتاً ده دقیقه نفس است بعد از نفس ماده ۶ خوانده میشود (مجدداً یکساعت قبل از ظهر جلسه تشکیل شد)

رئیس - فصل سوم ماده هشتم قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

(فصل سوم شرایط انتخاب شوندگان) ماده ۶ انتخاب شوندگان باید دارای صفات ذیل باشند ۱ - متدین بدين حضرت محمد بن عبدالله صلی الله علیه وآله باشند مگر نمایندگان ملل زردشتی و مسیحی و یهودی که آنها هم باید در دین خود ثابت العقیده باشند ۲ - تبعه ایران باشند ۳ - لا اقل خط و سواد فارسی باندازه کافی داشته باشند ۴ - درجه انتخاب معروفیت داشته باشند ۵ - در امور مملکتی با بصیرت باشند ۶ معروفیت بامانت و درست کاری باشند ۷ - سن آن ها کمتر از ۳۰ و زیاد از ۷۰ سال نباشد

مشرط دیگر میگوید که دارای سی سال نباید منتخب باشند مادام که در این مملکت دفتر ثبت نفوس نیست چطور میشود تشخیص داد که این شخص دارای سی سال نیست بنظر بنده تشخیص این مطالب قدری مشکل است حالا آقای مخبر توضیح بدهند که بچه ترتیب میتوانند منتخبین تشخیص بدهند

ذکاء الملک - در باب اینکه میفرمایند تشخیص سن مشکل است تصدیق دارم ولیکن معذک نمی توانم بگلی از این شرط صرف نظر بکنم بواسطه اینکه لابد باید یک تعیین سن کرد ولو اینکه تحقیقی نباشد و تخمینی باشد همچنین سایر شروط مثلاً با بصیرت بودن در امور مملکت راست است که تشخیص آنها مشکل است ولی همینقدر باید مردم بدانند که اشخاص را که انتخاب میکنند باید در امور مملکتی بصیر باشند

حاج شیخ اسدالله - بنده همینقدر عرض میکنم در ماده چهارم ذکر شده که اشخاصیکه از حق انتخاب کردن محروم هستند تبعه خارجه یا اشخاصیکه در حمایت خارجه هستند نباشند اینجا نیز قید شود که در حمایت خارجه نباشند

افتخار الواعظین - هر قدری که آقایان نظرمبار کشان بر این است که دائره انتخابات کنندگان معتبر باشد و عقیده بنده هم همین است که اگر انتخاب کنندگان شرایط و قیود باید کمتر باشد در انتخاب شوندگان باید دائره اترانک تر بکنند و شرایط قیودش را زیاد نمایند و هر قدر دائره اش تنگ تر باشد بهتر است و این شرایط و قیود که اینجا نوشته شده است همه اش صحیح است این از برای این است که آن شخص وقتیکه میخواهد اسم کسرا بنویسد در زمان امور مملکت را بدست یک کسی بسپارد که او بیایه دوسال سعادت و شقاوت مملکت را مصدر و سبب باشد باید او را در نظر داشته باشد که کسی را انتخاب بکنند که افلا آفتد بصیرت داشته باشد که بداند الزم امور امروز برای مملکت چیست اگر آمد اینجا و نشست و در یکی از مسائل اساسی مملکت مذاکره شد او بر تیزد و مخالفت بکنند هر چه با او بگویند این مسئله جزه حیات مملکت است او مخالفت بکنند اما در خصوص سن بنده هم کمتر از سی را گمان نمیکند آقایان هم حاضر باشند که بگویند اشخاصی که ستمشان کمتر از سی است و کلیل شوند و بیایند اینجا و بنشینند اقلش باید سی سال داشته باشند و اینکه میگویند تشخیص سن خیلی مشکل است در مملکت ما راست است تشخیص سن که ساعت و روز و دقیقه را تعیین کردن مشکل است لکن تخمیناً که میتوانیم تشخیص بدهیم که این شخص سی سال یا بیست و پنج سال دارد و بنده گمان میکنم این شرایطی که در اینجا نوشته شده خیلی صحیح است و خواهش میکنم از آقایان که قدری دقیق شوند و گمان می کند در خصوص منتخبین هر چه دائره تنگ تر بشود بهتر خواهد بود

ذکاء الملک - در باب مطلب اول همان طوری که سابقاً بوده است در اینجا هم قرار داده شده است که ملل متنوعه مثل سابق انتخاب بکنند حالا ایراد آقای آقا میرزا احمد را بنده درست ملتفت نشدم که مقصودشان چیست گویا مقصودشان این باشد ملل متنوعه مجبور نباشند از میان خودشان انتخاب کنند و مثلاً اگر ملت زردشتیها بخواهند بکنند مسلمان انتخاب کنند میتوانند اگر مقصودشان این باشد این را میتوان بآنجا اجازه داد و در واقع نمیتوان آنها را از این حق محروم کرد که اینک وقتیکه این مواد نوشته شده است نظر باین نبوده است که ملل متنوعه را از انتخاب کردن از غیر ملت خود ممنوع کرده باشند غرض این بوده است که بکنند مسیحی را انتخاب بکنند معلوم باشد که در دین مسیح ثابت العقیده است - در باب جزء ششم هم که ایشان عقیده شان اینست که آن عبارت بهتر است آن را نزاعی نداریم اما در مسئله سن که زائد بر هفتاد سال نباشد این قید در نظامنامه سابق هم بود و اینجا هم قید کردیم چون اشخاصی که ستمشان زائد بر هفتاد سال است غالباً قوه کار کردن را ندارند که بیایند و حاضر شوند و در تمام کارهای نمایندگی شرکت بکنند و کار نمایندگی هم کارسهای نیست بر زحمت است از اینجهت سن نمایندگی کمتر از هفتاد باشد بهتر است و اما در باب کمتر از سی سال البته هر چه بتوان سن را کمتر کرد بهتر است لکن در مملکت ما که اطلاعات باید از روی تجربیات و سن باشد ببقیه بنده همان سی سال بهتر است

ذکاء الملک - در باب مطلب اول همان طوری که سابقاً بوده است در اینجا هم قرار داده شده است که ملل متنوعه مثل سابق انتخاب بکنند حالا ایراد آقای آقا میرزا احمد را بنده درست ملتفت نشدم که مقصودشان چیست گویا مقصودشان این باشد ملل متنوعه مجبور نباشند از میان خودشان انتخاب کنند و مثلاً اگر ملت زردشتیها بخواهند بکنند مسلمان انتخاب کنند میتوانند اگر مقصودشان این باشد این را میتوان بآنجا اجازه داد و در واقع نمیتوان آنها را از این حق محروم کرد که اینک وقتیکه این مواد نوشته شده است نظر باین نبوده است که ملل متنوعه را از انتخاب کردن از غیر ملت خود ممنوع کرده باشند غرض این بوده است که بکنند مسیحی را انتخاب بکنند معلوم باشد که در دین مسیح ثابت العقیده است - در باب جزء ششم هم که ایشان عقیده شان اینست که آن عبارت بهتر است آن را نزاعی نداریم اما در مسئله سن که زائد بر هفتاد سال نباشد این قید در نظامنامه سابق هم بود و اینجا هم قید کردیم چون اشخاصی که ستمشان زائد بر هفتاد سال است غالباً قوه کار کردن را ندارند که بیایند و حاضر شوند و در تمام کارهای نمایندگی شرکت بکنند و کار نمایندگی هم کارسهای نیست بر زحمت است از اینجهت سن نمایندگی کمتر از هفتاد باشد بهتر است و اما در باب کمتر از سی سال البته هر چه بتوان سن را کمتر کرد بهتر است لکن در مملکت ما که اطلاعات باید از روی تجربیات و سن باشد ببقیه بنده همان سی سال بهتر است

آقا میرزا احمد - بنده گمان میکنم جزء اول از ماده هشتم يك اشتباهی است چو مبنی بر يك مسئله است که هنوز حل نشده است که ملت متنوعه در هر جا که هستند باید با سایر اهالی شرکت در انتخابات نمایند یعنی با مسلمین مخلوطاً انتخاب کنند یا اینکه جداگانه انتخاب نمایند مثلاً زرتیر

بهر خواهد بود **آقا میرزا احمد** - بنده گمان میکنم جزء اول از ماده هشتم يك اشتباهی است چو مبنی بر يك مسئله است که هنوز حل نشده است که ملت متنوعه در هر جا که هستند باید با سایر اهالی شرکت در انتخابات نمایند یعنی با مسلمین مخلوطاً انتخاب کنند یا اینکه جداگانه انتخاب نمایند مثلاً زرتیر

و البته اگر معارف بسط پیدا کرد که غالب اشخاص در سن بیست و پنج سالگی تحصیل کرده باشند آنوقت میتوانیم درجه سن را پائین تر بیاوریم و بیست و پنج قرار بدهیم لکن چون حالا معارف ما آن اندازه انتشار ندارد اقلاً باید نمایندگان بواسطه دیگری دارای بصیرت و اطلاعی باشند بواسطه سن البته تجربه پیدا میشود این است که سن را سی قرار دادیم

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی نمیدانند (اظهار شد کافی است)

رئیس - چند فقره پیشنهاد شده قرائت میشود و رجوع میشود بکمیسیون (بترتیب ذیل قرائت شد) از طرف آقای آقا شیخعلی شیرازی بنده پیشنهاد میکنم که در ماده شش بموض مگر نمایندگان ملل زردشتی الی آخر چنین نوشته شود: مگر نمایندگان ملل متنوعه

از طرف حاج شیخ اسدالله بنده پیشنهاد میکنم در صفت دوم اضافه شود که تبعه ایران و در تحت حمایت دول دیگر نباشد از طرف ادیبالتجار جمله دوم از ماده ۶ بطریق ذیل نوشته شود ۲ - تبعه ایران باشند و در تحت حمایت خارجه و دارای تأمین از خارجه نباشند از طرف آقای مدرس

در ماده ششم قبل از تبعه ایران چنین نوشته شود ۲ - معروف بفساد عقیده در دین خود نباشد ایضاً از طرف حاج شیخ اسدالله

صفت هفتم این نوع نوشته شود - سن آن کمتر از چهل و زیاد از هفتاد سال نباشد از طرف آقا میرزا احمد قزوینی - بنده پیشنهاد میکنم که جزو ششم اینطور نوشته شود معروف بخیانت و بدکاری نباشد - و جزء هفتم سن کمتر از بیست و پنج سال نباشد

رئیس - این پیشنهادها فرستاده میشود بکمیسیون - ماده هفت قرائت میشود (بمبارت ذیل قرائت شد)

ماده ۷ - اشخاصیکه از انتخاب شدن محرومند ۱ - شاهزادگان بلافضل ابناء و اخوان و اصنام پادشاه ۲ - نسوان ۳ - تبعه خارجه ۴ - اهل نظام بری و بحری باسنتای صاحبمنصبان افتخاری ۵ - حکام کل و جزء و معاونین آنان در قلمرو مأموریت خود

نصیره - سایر مستخدمین دولتی قابل انتخاب هستند بشرط آنکه پس از انتخاب برای مدت نمایندگی از شغل خود استعفاء بدهند ۶ - ورشکستگان بتفسیر ۷ - مرتکبین قتل و سرقت و مقصرینی که مستوجب مجازات قانونی اسلامی شده اند و معروفین بازتکاب قتل و سرقت و امتثال آن که شرعاً برائت خود را حاصل کرده باشند

۸ - اشخاصیکه خروچشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام شرع جامع شرایط ثبوت رسیده باشد و امتیاز فسق باشد

حاج سید ابراهیم - بنده گمان میکنم يك چیز اینجا افتاده است بجهت اینکه در منتخبین

ما باید بیشتر از منتخبین دقت بکنیم در منتخبین شرط کردیم مستخدمین ضبطه و نظیمه حق انتخاب ندارند و اینجا آن قید نشده است گویا از قلم افتاده است و این لازم است بجهت این که اگر بخواهند از تقب و خجانت مصون باشند باید مستخدمین ضبطه و نظیمه را که در ولایات همه قسم اسباب چینی می توانند بکنند آن ها را از انتخاب کردن محروم بکنند و این را در اینجا ذکر نکرده اند و کلمه اهل نظام هم شامل او نمیشود بجهت این که در ماده قبل هم اهل نظام را نوشته بودیم مستخدمین ضبطه و نظیمه را پس در اینجا هم باید ضبطه و نظیمه نوشته شود دیگر آن که معروفین بازتکاب قتل و سرقت که شرعاً برائت خود را ثابت نکرده اند چون غالب این ارتکاب ها در محکمه عدلیه ثابت میشود حکم عدلیه هم ببقیه بنده منوط است یعنی حکم عدلیه هم باید موافق با شرع باشد باین جهت خوبست بنویسیم که حکم برائت ذمه از محکمه شرع یا جای دیگر در حق او در برائت او حاصل نشده باشد یا محاکم عدلیه بجهت این که بسیاری از آنها هست که در محکمه عدلیه ثابت میشود و در شرع گرفته میشود و اگر محکمه عدلیه را قید نکنیم آن وقت پس از صدور حکم برائت ذمه از محکمه شرع باید بروند از محکمه شرع هم يك حکم برائت ذمه حاصل کنند پس بهتر این است که عرض شرعاً حکم محکمه قانونی نوشته شود

ذکاء الملک - از برای شور دوم این اصلاحات را در نظر میگیریم اگر لازم شد این اصلاحات میشود

آقا سید محمد رضای همدانی -

مرتکبین قتل و سرقت دو قسم است یکی آنست که بکرتبه مرتکب شده است یکی اینست که همیشه کارش اینست و اینجا طوری نوشته شده است که درست نمی فهماند یعنی هر دو راهم قتل را و هم سرقت را مرتکب شده باشد بنده درست این را نمی فهمم یکی هم اینکه اشخاصی که خروچشان از دین حنیف اسلام در حضور یکی از حکام جامع شرایط ثبوت رسیده باشد این راهم بنده قدری کم می دانم بجهت این که این اشخاص تمدن ما را پنجاه شصت سال عقب انداختند و همه قسم کارهای دیگر خلاف شرع و عقل و غیره کرده اند هیچ نشده است که در محضر یکی از حکام شرع ثابت بشود خروچشان از دین حنیف اسلام یا این که ارتکابشان ثابت شده باشد این که بنده عرض میکنم این قید دیگر اینطور نوشته شود بهتر است اشخاصی که معروف بفساد عقیده میباشند و همین را پیشنهاد مینمایم

افتخار الواعظین - بنده اول فرمایش آقا را تصدیق میکنم لکن بعد از تأمل میبینم که معروف بفساد عقیده صحیح نیست بجهت این که دامنه او خیلی وسیع خواهد شد و می خواهند گفت فلانکس پیش چند نفر معروف بفساد عقیده است اینرا مستمسک سبب میکنند برای این که اشخاصیکه با بصیرت در امور مملکت ولایت هستند بجهت انتخاب مداخله در امور نکنند و از انتخاب شدن محروم خواهند شد پس معروفیت بفساد عقیده است و اینرا مستمسک و سبب میکنند برای این که اشخاصیکه با بصیرت در امور مملکت ولایت هستند بجهت انتخاب مداخله در امور

رئیس - مذاکرات کافی است دو فقره پیشنهاد شده است قرائت میشود بنده ماده هشت را میخوانند (بترتیب ذیل خوانده شد)

از طرف ادیبالتجار - جمله سیم از ماده هفتم بطریق ذیل نوشته شود ۳ - تبعه خارجه و دارای تأمین نامه از خارجه و تحت حمایت خارجه نباشند از طرف آقا سید محمد رضای همدانی

بجای ماده ۸ - از انتخاب شدن اینطور نوشته شود اشخاصی که معروف بفساد عقیده نباشند

رئیس - میفرستیم بکمیسیون - ماده ۸ -

نکنند و از انتخاب شدن محروم خواهند شد پس معروفیت بفساد عقیده یکسگی مسئله است که خیلی وسعت پیدا میکند و باید گفت باید در حضور یکی از حکام شرع ثابت شده باشد والا بدون ثبوت کسی را نمیتوان فساد عقیده دانست

حاج شیخ اسدالله - در اینجا که اهل نظام

بری و بحری را محروم میکند که منتخب نشوند فلسفه آن را بنده پیش خودم همچو تصور کردم که شاید آنها بتوانند يك دسیسه بکنند و اسباب انتخاب خودشان را فراهم بیاورند علت دیگری بنظر بنده نمیرسد و بلکه علت دیگری ندارد آن وقت يك چیزی باید اینجا فراهم بیارند علت دیگری بنظر بنده نمیرسد و بلکه علت دیگری ندارد آنوقت يك چیزی باید این جا زیاد شود که مأمورین نظام بری و بحری در محل مأموریتشان مثلاً اینجا شخصی اهل نظام است و مشمول است بخدمت و جای دیگر مثلاً در کرمان او را انتخاب میکنند جهت ندارد که از انتخاب محروم باشد در صورتیکه ابدأ دستی بآنجا ندارد و شاید شخص کافی کلمی هم باشد و فقط بجهت اعتمادیکه باین شخص دارند او را انتخاب میکنند چرا این محروم بماند حالا اگر نظرش بجز این که بنده عرض کردم در محروم کردن نظام بری و بحری از انتخاب دارند جهت را آقای مخبر فرمایند تا بنده هم بدانم

ذکاء الملک - محروم کردن اهل نظام از انتخاب کردن و انتخاب شدن مبنی بر این است که در امر نظام اختلالی بهم نرسد اگر چه این مسئله هم که در میان اهل نظام بیشتر میتوان برای انتخاب اسباب چینی کرد و انتخابات در آنها زودتر از ترتیب طبیعی خود ممکن است که خارج شود لکن بیشتر نظر باین است که پلتیک در نظام نباید داخل شود بواسطه اینکه اسباب اختلال و عدم نظم آن میشود باینجهت مسئله انتخاب که اعظم امور پلتیکی است در نظام نباید داخل شود و اما اینکه اگر اهل نظام را از انتخاب شدن محروم میکنند بواسطه اینکه دولت احتیاج بوجود آنها دارد و اگر بواسطه انتخاب بنا شود که یکمرتبه جمعی از صاحبمنصبان نظامی از کار خارج شوند ممکن است امور قشونی مختل شود و کارهای نظامی متوقف بمانند این است که باین ملاحظات و ملاحظات چندی بکلی مأمورین نظام را از انتخاب کردن و انتخاب شدن محروم کرده اند

رئیس - مذاکرات کافی است دو فقره پیشنهاد شده است قرائت میشود بنده ماده هشت را میخوانند (بترتیب ذیل خوانده شد)

از طرف ادیبالتجار - جمله سیم از ماده هفتم بطریق ذیل نوشته شود ۳ - تبعه خارجه و دارای تأمین نامه از خارجه و تحت حمایت خارجه نباشند از طرف آقا سید محمد رضای همدانی

بجای ماده ۸ - از انتخاب شدن اینطور نوشته شود اشخاصی که معروف بفساد عقیده نباشند

رئیس - میفرستیم بکمیسیون - ماده ۸ -

خوانده میشود بعبارت ذیل قرائت شد . ماده ۸ - در هر حوزه انتخابیه دو یک یا چند نقطه مطابق صورتیکه در جدول منضمه باین قانون معین شده حکومت هر نقطه انجمنی با مامورین نظارت موقتاً تشکیل میدهد که مرافق و مسئول صحت انتخابات باشد .

رئیس - مخالفی هست در این ماده .

حاج شیخ اسدالله - اینجا مینویسد در هر حوزه انتخابیه حکومت آن محل انجمنی باسم انجمن نظارت تشکیل میدهد و در ماده بعد مینویسد در هر محلی که انجمن ایالتی و ولایتی داشته باشد عمده اعضاء را انجمن معین میکند که سه نفر از انجمن و چهار نفر از خارج انجمن معین میکند منتهی نظارت حکومت است که حکومت در آن چهار نفر نظری دارد و انجمن نظار را هیچ حکومت تصدیق نمیکند و تصویب او نیست فقط منحصراً است که از وظایف انجمن ایالتی و ولایتی است و بطور مطلق اینجا نوشته است که حکومت در همه جا یک یا چندین حوزه تشکیل میدهد این با آن مخالف است .

ذکاء الملک - بنده ملتفت نشدم اعتراض آقای حاج شیخ اسدالله را در هر حال در هر جا حکومت انجمن نظار را تشکیل میدهد منتها اعضاء این انجمن بطور تعیین میشوند بوجهی شکل تشکیل انجمن داده میشود - در جایی که انجمن ولایتی یا ایالتی هست سه نفر از اعضاء انجمن و چهار نفر دیگر را هم تصدیق انجمن معین میکند منافاتی ندارد و در جایی هم که انجمن ایالتی و ولایتی نباشد که خود حکومت مستقلاً انجمن را تشکیل میدهد .

موز الملک - در این ماده (۸) مینویسد در هر حوزه انتخابیه در یک یا چند نقطه مطابق جدولی که منضم باین قانون الی آخر بنده این یک یا چند نقطه را نمینویسم اینجا گویا زیادی باشد این در جایی که صد هزار نفر یا هر چه باشد البته آن نقطه را اسم میرسد میگردد که این حوزه انتخابیه است پس بنابراین باید گفت که در حوزه انتخابیه یک انجمن نظارتی تشکیل میشود لکن میتوان گفت که در تمام نقاط شاید نتوانند بیاین در حوزه مر کزیه رأی بدهند آتوقت باید گفت با تصویب حکومت و انجمن نظارت مر کزیه که چون نمیتوانند از تمام نقاط در حوزه مر کزیه حاضر شوند یک شعبه در انجمن نظارت تشکیل داده شود در جایی که دسترسی ندارد و علی حال در آن جدول که منضم باین قانون نوشته میشود بجز یک نقطه را که باسم حوزه انتخابیه تعیین میکنند دیگر جایی را اسم نمی برد و هر حوزه انتخابیه باید عسبانت انتخاب خودش را در مرکز آن حوزه بیاورد نمیشود گفت در یک یا چند نقطه حکومت انجمن نظارتی تشکیل میدهد و بنده در این باب یک پیشنهادی کرده ام قرائت شود .

ذکاء الملک - در وقتی که این ترتیب داده شده است در کمیسیون آقای موز الملک تشریف نداشتند همانطوریکه خودشان مسبوق هستند مجبور شدیم ما نقاطی را داخل هم دیگر بکنیم که نسبت بهمیدیکر تعین ندارند ولیکن در تحت یک حوزه انتخابیه واقع شده اند بدوجهت نمیتوانیم محل انتخابات را در یک نقطه واحد قرار بدهیم یکی بواسطه اینکه

نسبت یکدیگر تعین ندارند و در هر ض یکدیگر واقع شده اند یکی هم بواسطه اینکه هر چند ما حوزه های انتخابیه را کوچک کرده ایم معذک آن اندازه ندانسته ایم حوزه های انتخابیه کوچکی تعیین بکنیم که تمام مردم در آن یک نقطه حاضر شده برای بدهند مجبور باین شدیم که نقاط متعدده تعیین کنیم که مردم در آن نقطه متعدده بیایند رأی بدهند پس در آن نقاط متعدده انجمن نظار متعدد لازم میشود و ایشان هم این امر را اساساً تصدیق دارند ولی میفرمایند که آن انجمنهای جزء که شعبه این انجمن نظار مر کزیه باشد ولی چه شعبه فرض بکنیم چه انجمن جزء بگوئیم فرق ندارد ما آن نظر که چون تمام نقاط تعین بهمیدیکر ندارند و در عرض هم واقع شده اند لازم شد و قرار گذاشتیم که انجمن نظارت جزء باشد که مردم بیایند رأی خودشان را بدهند و یک انجمن نظارت کلی در نقاطی که نمیتوانستیم مرکز قرار بدهیم که واقفاً مرکزیت داشته باشد نسبت بآن نقاط وقتی که انتخاب تمام شد نتیجه را بیاورند با انجمن نظارت کل که حاصل آنرا تشخیص داده و نماینده را تعیین بکنند .

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد دو فقره اصلاح پیشنهاد شده است قرائت میشود (پیشنهادی از طرف آقای موز الملک بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۸ - در مرکز هر حوزه انتخابیه مطابق صورتیکه در جدول منضمه باین قانون معین شده حکومت محل انجمنی باسم انجمن نظارت موقتاً تشکیل میدهد که مرافق مسئول صحت انتخابات باشد ولی اگر بجهاتی تمام نقاط یک حوزه انتخابیه نتوانند در مرکز حوزه حاضر شده انتخابات را بعمل آورند ممکن است با تصویب حکومت در نقاط لازمه یک حوزه انتخابیه انجمنهای نظارت جزء معین شود که در انتخابات آن محل نظارت داشته باشند .

پیشنهادی هم از طرف آقای شیخ اسدالله بعبارت ذیل قرائت شد (بنده پیشنهاد میکنم که بجای لفظ مرافقت تصدی نوشته شود)

رئیس - فرستاده میشود کمیسیون ماده ۹ قرائت میشود (ماده مزبوره بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۹ - در محلهاییکه انجمن ایالتی یا ولایتی موافق قانون برقرار است انجمن نظارت مر کزیه خواهد بود از سه نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی و چهار نفر از مردمان باسواد معروف باامانت در تحت ریاست حاکم این چهار نفر را انجمن ایالتی یا ولایتی با تصویب حاکم از غیر اعضاء خود معین خواهد کرد .

حاج سید ابراهیم - در نظامنامه پیش نوشته شده بود که ب نظارت حاکم حالا سمت ریاست نوشته شده است که حاکم رئیس باشد بیشتر حاکم یک نماینده از طرف خودش بانجمن میفرستاد که یک نظارتی از طرف او داشته باشد یعنی مواظب باشد که از روی قانون رفتار شود اما ریاست داشته باشد این صحیح نیست خوب است لفظ ریاست را بردارند لفظ نظارت را بگذارند .

ذکاء الملک - در نظامنامه سابق هم لفظ ریاست بوده است گمان نمیکند که ضروری داشته باشد .

بجهت - این ماده یک قدری نقصان دارد باید تکمیل شود برای اینستکه مینویسد حاکم باید نوشته شود یا نماینده آن و دیگر آنکه هفت نفر باید معین شود برای انجمن نظارت چهار نفر را میتواند انجمن ایالتی یا ولایتی تعیین کنند و سه نفر از خود انجمن هم تعیین می شود این را نوشته است که کی معین می کنند شاید هم چنین تصور شود که چهار نفر را میتواند انجمن ایالتی معین بکنند و آن سه نفر را حاکم معین میکند ممکن بود که ما این قید را بکنیم که این هفت نفر را انجمن ایالتی و یا ولایتی با تصویب حکومت معین بکنند چنانچه در مواد سابق هم نوشته است با تصویب حکومت معین چنانچه در مواد سابق هم نوشته است با تصویب حاکم پس نایش ناقص است که نوشته است این چهار نفر را انجمن با تصویب حاکم معین میکند در آن چند نفر هم عقیده بنده این است که با تصویب حاکم باشد .

حاج شیخ اسدالله - بنده فرقی نمیدانم از اینکه این سه نفر را حاکم معین بکند یا خود انجمن ولی اگر با خود انجمن است باید بیک نوعی معین باشد یا با اکثریت یا بقره بقیه بنده اگر خود انجمن باید تعیین بکند با اکثریت این سه نفر را معین میکند .

رئیس - مذاکرات کافی نیست (اظهار شد کافی است)

رئیس - یک فقره پیشنهاد از طرف حاج سید ابراهیم شده است قرائت میشود (پیشنهاد مزبوره بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که در آخر ماده (۹) در تحت نظارت حاکم نوشته شود .

رئیس - فرستاده میشود کمیسیون ماده ۱۰ قرائت میشود .

ماده ۱۰ در جاهاییکه انجمن ایالتی و ولایتی نیست انجمن نظار مر کز خواهد بود از هفت نفر از معتمدین اهل محل در تحت ریاست حاکم بانمایند حاکم بتعیین خود او موافق تحقیق از اهل محل .

۱۰ - که میگوید خود حاکم معین میکند در جاهائی که انجمن نباشد و کارگذاری هم نباشد متواند یک نفر از معتمدین آن جا را معین بکنند این است که بنده با آن دو ماده مخالفم و این را که عرض کردم بهتر میدانم .

ذکاء الملک - بله این ماده با آنطوریکه بوده بعضی مزایا و محسنات داشت لکن اینجا یک چیزی بوده که مامورین شدم باین شکل اختیار بکنیم و آن این است که غالباً حوزه های انتخابات یک طرز خواهد بود که شاهزاده و اعیان و کار گذار نداند چیزیکه اکثر اینطور بوده گفتم قاعده را برای اول مینویسیم و حال اکثر راملحظه نمودیم حالادر جایی که شاهزاده و اعیان و کار گذار داشته باشد البته آنها برتری خواهند داشت ولی نمیتوانیم یک قانونی بگذاریم که شامل جزء اول بشود و اکثر در آن بحال استثناء باشد .

حاج سید ابراهیم - این نبودن کارگذاری در بعضی نقاط علت نمیشود که طبقه تجار و اعیان و اصناف نباشند چنانچه ضرر دارد که اینجا علماء و اعیان و تجار و اصناف قرار بگذارند این یکی مطلبی نیست بنده عرض برای این بود در اینجا که نوشته شده است در شهرهای بزرگ که انجمن نظارت شعبه پیدا میکند چنانچه معین میشود و گمان میکنم اینجاها انجمن ایالتی و ولایتی ندارد بزرگ تر از یک محل شهری نباشد هیچ جهت ندارد مقید بکنند که هفت نفر باشند آنوقت آنها را هم مقید بکنیم که با اطلاع باشند و ما چندین قید داشته باشیم که اسباب عدم جریان انتخابات بود پس خوب است این راهم پنج نفر بکنیم مثل همان پنج نفر که در آن شعبه شهرهای بزرگ باشد .

بجهت - در جاهاییکه انجمن ایالتی و ولایتی نیست غالب طبقات هم وجود ندارد باید درست تأمل کرد که آن حوزه بنده بوجهی شکل است ملتفت خواهم شد که غالباً بلوک است و بقیه دارم که از صدی پنج در این بلوک کار گذار نیست شاید از علماء باشند ولیکن از طبقه تجار و اعیان نیست بجهت اینکه غالباً دهات و بلوک است که ما گفتم شامل میشود که طرف اطعمتیان و محل ونوق مردم باشد مثلاً نوشته شده است از شاهزادگان برای دو نقطه اسم ببریم شاهزاده آن وقت برای خود و هشت نقطه دیگر استثناء بکنیم این خلاف منطقی است از فصاحت و بلاغت خارج است ما مینویسیم معتمد اهل محل آخرین عبارت را مینویسیم که محل ونوق مردم باشد آنوقت ممکن است که اسامی اشخاص را نبرد این هیچ فایده ندارد شاید یک تاجر بود و هیچ طرف اعتماد مردم هم نبود آنوقت حاکم مجبور است که او را معین بکند بدیهی است که حاکم نمیتواند مجبور بشود که از طبقات اشخاص معین بکند اینجا بطور ساده نوشته شده است که هفت نفر را انتخاب بکنند که محل اعتماد مردم باشد بدیهی است که ما نمیتوانیم برای تعیین انجمن نظار اشخاص معین بکنیم فقط چیزی که هست البته اگر یک شاهزاده صحیحی بود حکومت برای رضایت اهل محل او را معین خواهد کرد و همچنین بکنند تاجر یا اگر یک نفر کار گذار بود حاکم آنها را معین خواهد کرد بدیهی است ما رضامندی اهل محل را که شرط کردیم اینجا در ضمن رضامندی ملحوظ خواهد شد و راجع

بشعباتیکه معین میشود در شهر های بزرگ آن هم اینست که آقای حاج سید ابراهیم فرمودند انجمن نظاریکه میشود در نقاط جزء آنها زحمت اینها را ندارند مثلاً در تهران یک شعبه در شهر نوشکیل میشود صندوق آرایش میآید و در مرکز آن که تهران است یعنی در یک محلیکه برای انتخابات معین شده است منتهی از آنجا نمیتوانند بیایند بر مرکز آنجا رأی میدهند آن وقت استخراج آراء آن شعبه به تصویب انجمن نظار مر کزیه است ولی سایر شرایطی که در انجمن نظار هست در آنها نیست یعنی استخراج آراء نمیکند صورت مجلس نمینویسند فقط صندوق را باز میکنند و استخراج آراء میکنند پس بنابراین ترتیب همین ماده که اینجا نوشته شده است صحیح است و هیچ محتاج به تفسیر نیست .

آقای سید حسین اردبیلی - در این جا این معتمدین اهل محل که نوشته است در واقع اگر تعیین شود فقط شامل بآن اشخاصیکه از بستگان خود حاکم هستند میشود .

فقط حکومت تشکیل خواهد داد و کسانی را جمع خواهد کرد بدینخواه خود و اگر هم از اهل محل تحقیق بشود از همان اهل محلیکه تحقیق میشود که طر فدار همان هیئت هستند باید دید که یک نقطه دیگر از علماء و تجار و سایرین هستند که بتوانند تحقیق بکنند که معتمدین طرف اعتماد اهل محل هستند یا که طرف اعتماد حکومت هستند اینست که بنده تصور میکنم این چیزها که آقای بهجت فرمودند کافی نیست و آن مقصودی را هم که دارند نمیرساند .

رئیس - مذاکرات گویا کافی است - دو فقره اصلاح است قرائت میشود میفرستیم بکمیسیون (۱ - اصلاحی از طرف آقای آقا شیخ اسدالله بعبارت ذیل قرائت شد .

بنده پیشنهاد میکنم که در این ماده اضافه شود سه نفر از اعضاء انجمن ایالتی یا ولایتی با اکثریت الی آخر .

اسباب تشویق میشود و شاید برای ملت بهتر باشد در اینوقت .

رئیس - خوب یک فقره از اینها که جزء دستور روز شنبه مابقی راهم تقاضا خواهیم کرد که جزء دستور آتی باشد - دیگر مخالفی نیست مخالفی نبود .

رئیس حرکت کرد و مجلس ده دقیقه قبل از ظهر ختم گردید .

جلسه ۲۸۱ صورت شروع جلسه دوم شنبه دهم شهر شعبان المعظم ۱۳۲۶

رئیس - آقای مؤتمن الملک سه ساعت و ده دقیقه قبل از ظهر بکرسی ریاست جلوس و سه ساعت قبل از ظهر مجلس را رسماً افتتاح فرمودند .

آقا میرزا ابراهیم خان جلسه صورت قبل را قرائت کردند .

افتخار الواعظین - اینجا می نویسد که کباز که خدا و پنج نفر از معتمدین محل بنده عرض میکنم قید مجله قیدی است که اسباب تطبیق خواهد شد باید نوشته شود پنج نفر از معتمدین شاید معتمدین از اشخاصی باشند که در آن محله مسکن نداشته باشند در محله دیگر ساکن باشند آن وقت با این قید اهالی محل میتوانند از وجود آن اشخاص که آن ها محل وثوق و اعتمادشان هسته استفاده کنند این قید دست و پای آن ها را میبندد و تطبیق میکنند اگر معتمدین را بطور اضلاع و امیکداشته بهتر بود

ذکاء الملک - مخبر کمیسیون انتخابات - معتمدین محل هم نوشته شده است تصریح ننمودند که از اهل آن محله باید باشد همینقدر باید از نزد اهل محله معتد باشند .

بجهت - در ماده بعد می نویسد که انجمن نظارت بر دو قسم است یکی انجمن های مرکز و دیگر انجمن های جزء تابع مرکز دیگر تکالیف و وظائفش را معین نکرده است که انجمن های جزء تابع مرکز حدود وظائفشان تا کجا است اینجا باید توضیح شود که این شبهه تا کجا تکالیف و وظائف دارد فقط برای تعرفه دادن است یا حق استخراج آراء هم دارد شاید چنین تصور شود که در موقعی که ترتیب استخراج آراء را خواهد گفت آن جا معترض این مسئله باید بشود لکن اینطور نیست جای معترض باین مسئله همین جا است که باید بگوئیم انجمن نظارت جزء شعبه است از انجمن نظارت مرکز و این انجمن نظارت جزء وظیفه اش فلان و فلان است در همین جا بایستی وظیفه اش را معین کنیم که تا چه اندازه تکالیف خواهد داشت تکالیف را باید اینجا معین کنیم تا اسباب اشکال نشود

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) .

رئیس - اصلاحی است از آقای حاج شیخ علی خواننده میشود کمیسیون ارجاع میشود (بمبارت ذیل قرائت شد) .

در حوزة های انتخابیه بجهت سهولت انتخابات ممکن است انجمن نظارت شنب جدا گانه تشکیل نماید

ماده ۱۲ - انجمنهای نظارت بر دو قسمند یکی انجمنهای مرکزی دیگری انجمن های جزء تابع مرکز .

انجمنهای نظارت مرکزی علاوه بر نظارت در استخراج آراء انجمن محل در تعیین نتیجه آراء نقاط جزء حوزة های مشترکه در انتخابات نیز نظارت دارند .

حاج شیخ اسدالله - انجمن های نظارت را اینجا بر دو قسم کرده است یکی انجمن نظارت مرکزی و یکی انجمنهای جزء ولی انجمنهای جزء را درست تشریح نمیکند که مراد از انجمن های جزء چه انجمنی است بعد از اینکه ما انتخابات را مستقیم رای دادیم این را هم نباید فراموش بکنیم که تمام اهالی حق رای دادن دارند و انجمن را اگر منحصر بر کسز فراد دادیم و بعضی ولایات منظم از قبیل اردبیل که حق تعیین وکیل دارد بنظر بنده این انجمن های جزء همان انجمنها را میگوید مثلا انجمن مرکزی انجمن

آن ها را بگیریم حالا اگر آن ها خودشان بمقتضی آن سایر ولایاتیکه حق انتخاب با آنها داده اند ولی نسبت بسایر بلوک و قصبات ساکت است که تکلیف آنها چیست آیا يك انجمنی در آنهاجا تشکیل میشود یا خیر آنجاها انجمن دیگر تشکیل نمیدهند یا باید تمام قصبات و دهات بیابند بر کسز رای بدهند اگر این قسم باشد کار خیلی مشکل میشود بجهت این که فرض کردیم مثلاً در اردبیل انجمن نظارت تشکیل کردند بجهت تعیین آن عده و کلبیکه با آنها حق داده شده است حالا مگر باین که تابع این اردبیل هستند آنها مجبورند از بیست فرسخی ۳۰ فرسخی بیاید بار دبیل رای خودشان را بدهند آن ها نمیتوانند از بیست فرسخ بیابند بار دبیل و رای بدهند و نیابند رای بدهند و بهمین جهت از حقوقشان محروم میمانند و دستشان نرسد که از حقوقشان استفاده بکنند و اگر باشد که حق داریم در آن قصبات و بلوک يك انجمنی باسم انجمن جزء در آن جاها تشکیل شود این ماده که این جا نوشته شده است نیرساند ایشرا باید تشریح کرد پس اینکه خودمان میتوانیم همین که بنده خودم در کمیسیون رفتم و این نظر را عرض کردم متلاطمی از نقاطیکه حق انجمن مرکزی بآن داده شده است محلات و کمره و سایر بلوک است انجمن مرکزی آن در محلات است و انجمن جزء در کمره است آیا سایر بلوک مجبورند که بیابند مرکز که محلات است رای بدهند یا این که يك شبهه از انجمن نظارت جزء در آن بلوک تشکیل میدهند آن انجمن جزء اخذ آراء را میکند و آراء را با انجمن نظارت مرکز میفرستد بهر حال بنده عقیده ام اینست که تمام اهالی مملکت حق رای دادن دارند از اعلی و ادنا فقیر و غنی و باید استفاده از حق خودشان بنمایند تمام دهات و قصبات حق بدهند که انجمن نظارت تشکیل بدهد و اگر غیر از این باشد اغلب اهالی از حق انتخاب کردن محروم میمانند اینست که در این ماده باید توضیح داده شود و يك حقی هم علاوه باید بدهند با انجمن نظارت مرکزی که تشکیل این انجمن های نظارت جزء بسته بنظر خود آن انجمن نظارت باشد که در هر قصبه یا در هر بلوکیکه صلاح بداند بتواند انجمن نظارت تشکیل بدهد حالا ترتیب آن انجمن نظارت جزء که در بلوکات قصبات میدهیم چه قسم باشد از خود اهالی انجمنی تشکیل داده شود یا بعضی از انجمن نظارت مرکزی هم بروند و دخالت کنند این ها را بنده در جوع میکنم بنظر خود کمیسیون ولی در این که باید يك حقی قصبات و بلوکات بدهیم این هیچ محل تأمل و جای تردید نیست در شهرهای بزرگ از قبیل طهران و آذربایجان و غیره که جمعیت آن زیاد است يك حقی با انجمن نظارت میدهند در محله های بیهوده تشکیل شده بدهند و اخذ آراء که با انجمن نظارت بیآورند و حال آنکه میتوانند در يك روز بلکه در یک ساعت بروند رای خودشان را بدهند و برگردند و هیچ اشکالی هم ندارد اما در يك جمعیت کثیری از اهالی مملکت که قصبات و بلوکات است بکلی این نظرها از آنها معو میکنند و ساکت میمانند و اگر انجمن نظارت تشکیل نمیشود خوب است صندوق در آنهاجا بگردانند خلاصه بهر ترتیبیکه میسر است باید رای

ذکاء الملک - تمام این مطالبی که آقای حاج شیخ سداش فرمودند در کمیسیون پیش بینی شده است در حوزة های انتخابیه همینطور که فرمودند بسیار از اوقات اتفاق می افتد با وجود اینکه ما حتی الامکان حوزة ها را کوچک قرار میدهم که حوزة ها باز بقدری وسعت دارد که تمام اهالی آن حوزة نمیتوانند بیابند در يك نقطه رای بدهند بنا بر این ما مجبور میشویم که انجمن نظارت جزء هم در بعضی نقاط آن حوزة تشکیل بدهیم که تمام اهالی بیابند رای بدهند حالا از برای این مسئله دو قسم میتوان رفتار کرد يك قسم اینست که انجمن مرکزی قرار بدهند و اختیار بدهند بآن انجمن نظارت مرکزی که در هر نقطه لازم و صلاح میدانند يك انجمن نظارت جزء تشکیل بدهند در کمیسیون پیش بینی ما بگفته ایم از این بالا رفت که گفتیم احتمال می رود که اگر واگذار کنیم با انجمن نظارت مرکزی که بصحت خودشان مرجع لازم داشته يك انجمن نظارت جزء تشکیل بدهند شاید کار سهولت جریان پیدا بکند و بسرعت واقع شود و در بعضی ولایات دور دست که اطلاعات لازمه از امور انتخاب ندارند بخوبی میتوانند از همه این کار بر آید و ندانند چه باید کرد و باین جهت از حق انتخاب بواسطه عدم اطلاع کامل محروم میمانند در این صورت گفتیم حتی الامکان تا آنجائیکه برای ما ممکن است يك قدری کار انجمن های نظارت مرکز را هم ما بکنیم یعنی شعب جزعراهم ما معین بکنیم که در حوزة های انتخابیه علاوه بر انجمن نظارت مرکزی از چند نقطه از نقاط جزء هم انجمن نظارت جزء باید تعیین و تشکیل شود که شعبه های انجمن نظارت مرکزی خواهند بود تا سهولت اهالی بتوانند رای بدهند و در چند ماده این مسئله اشاره شده است یکی در ماده هشت که نوشته شده بوده در هر حوزة انتخابیه در يك یا چند نقطه مطابق صورتیکه در جدول منضمه باین قانون معین شده حکومت هر نقطه انجمنی باسم انجمن نظارت موقتاً تشکیل میدهد که مرافق و مسئول صحت انتخابات باشد اینک نوشته شده در يك یا چند نقطه نظریاتی دارد که اگر يك نقطه کفایت میکند یعنی اگر حوزة انتخابیه آنقدر وسعت ندارد که محتاج بچند نقطه باشد و مردم میتوانند بیابند در یکجا رای بدهند که اکثراً بهمین يك انجمن نظارت میشود و اگر حوزة انتخابیه وسعت دارد بقدریکه مقدور است که مردم بیابند در يك نقطه آراء خودشان را بدهند آن وقت معلومست در چند نقطه انجمن نظارت جزء معین میکنند و در همین ماده که مطرح و محل گفتگو است نیز میگوید انجمن بر دو قسم است یکی انجمن نظارت مرکزی یکی انجمن نظارت جزء تابع مرکز حالا آن نقاطی

رئیس - آقایان مذاکرات را کافی میدانند ؟ (اغلب اظهار کردند کافی است) .

رئیس - ماده سیزدهم را بخوانید (بمبارت ذیل قرائت شد) .

ماده ۱۳ - انجمن نظارت از میان اعضاء خود يك یادو نفر منشی انتخاب مینماید .

رئیس - مخالفی نیست ؟ (گفتند خیر) .

رئیس - ماده ۱۴ خوانده میشود .

ماده ۱۴ - انجمن نظارت دو هفته بعد از انجام انتخابات متفرق میشوند لکن انجمن های نظارت مرکزی برای تعیین نماینده حوزة های انتخابیه تابعه خودشان متذکر الزوم تشکیل خواهند شد .

رئیس - مخالفی نیست ؟ ماده ۱۵ را بخوانید (بمبارت ذیل قرائت شد) .

فصل پنجم - طریقه انتخابات

ماده ۱۵ - انتخابات نمایندگان مجلس شورای ملی در کلبه مملکت ایران بطور يك درجه و مستقیم است .

رئیس - مخالفی نیست ماده ۱۶ را بخوانید (بمبارت ذیل خوانده شد) .

ماده ۱۶ - در مصلحتی که موافق تقسیم قانون انتخابات حق انتخاب یک نفر نماینده دارند با انتخاب فردی عمل میشود و در مصلحتی که بیش از یک نفر نماینده باید انتخاب نمایند با انتخاب جمعی خواهد بود

توضیح - مراد از انتخاب جمعی آن که هر يك از انتخاب کنندگان دو ورقه رای بعهده مجموع انتخاب شوندگان آن محل اسامی اشخاص مینویسند مراد از انتخاب فردی آنست که هر يك از انتخاب کنندگان در ورقه رای اسم يك شخصی را مینویسند

رئیس - مخالفی هست ؟ (اظهاری نشد) .

رئیس - ماده ۱۷ را بخوانید (بمبارت ذیل خوانده شد) .

ماده ۱۷ - انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی خواهد بود .

رئیس - مخالفی در این ماده نیست ؟

لسان الحکماء - بنده گمان میکنم که تمام مواد قانون انتخابات مقصود است برای دو ماده یکی

ماده ۱۰ که گذشت و یکی همین ماده (۱۷) که قرائت شد اولاً باید دانست که در تمام مواد قانون این مسئله را باید اهمیت داد که حدود قانون محفوظ باشد و انتخاب نمایندگان که با اکثریت نسبی خواهد بود این هیچ محفوظ نیست بنده گمان میکنم آن نقیذاتی که در دوره گذشته میکردند و حق داشتند که يك نماینده بفرستد رای انتخاب شده است امروز هم با این ترتیب ماده باز تنفیذ بکنند و حق دارند بجهت اینکه آرزوی که رای دادیم در انتخاب يك درجه و مستقیم یعنی انتخاب مستقیم در تمام قوانین عالم محفوظ است با شرایط مقرر قانونی و بنده بهیچ وجه من اوجوه نمی بینم که آن شرایط را این مواد مذکور شده باشد مثلاً انتخاب نمایندگان به اکثریت نسبی خواهد بود فرض میکنیم که در صد هزار نفر بکنند نماینده باید انتخاب شود مثلاً در طهران که پایتخت و مرکز تمدن است از پنجاه هزار نفر هشت هزار نفر تعرفه گرفته شش هزار نفر رای دادند آیا در بلوچستان ممکن نیست که از پنجاه هزار نفر تعرفه بگیرند آیا ممکن نیست از آن هفتاد نفر بیست و پنج نفر رای بدهند یا بکنند اگر بخواهد ممکن نیست که بچند رای انتخاب بشود این انتخاب مستقیم است ؟ این انتخاب یکدرجه است خیر هیچ قانونی اجازه نمیدهد که آنطور بشود انتخاب مستقیم و یکدرجه در تمام قوانین دنیا يك شکل و يك شیق دارد بنده آن روزی که برای انتخاب مستقیم مذاکره میشد شرایط آنرا تقدیم مجلس کردم نمیدانم در کمیسیون مطرح شورشد باخیر ولی بنده تصور میکنم آن مواد را که تقدیم کرده ام مقفود شده است یا فراموش شده باین جهت دو مرتبه نوشتم و تقدیم کردم و گذشته از این ما باید بدانیم يك نماینده که اینجا میاید يك عده مستجاب از ملت باید عقب سر او و هوا خواه او باشند گذشته از آن ما باید جدو جهد بکنیم که مردم را با حقوق خودشان آگاه کنیم بقراری چنانچه سایر ممالک تمدنه گذاشتند برای قوانین خودمان بگذاریم که مردم با حقوق خودشان آگاه شوند که وقتی يك وهنی برای مجلس روی میدهند تمام مردم بيك صدا فریاد کنند حامی آن مجلس باشند نگهدار آن نماینده باشند بنده تکرار میکنم که انتخاب مستقیم در تمام دنیا بيك نسق است و آن مواد را اینجا تقدیم کردم چند ماده است که آقای رئیس امر بقرائتش فرمایند و بعد بکم کمیسیون رجوع فرمایند که این اکثریت نسبی چون قدر از آن انتخاب دو درجه است و بنده می بینم که باین ترتیب نماینده کافی خواهد داشت که با انتخاب هفت یا نه نفر مبالغه نمیکند و اغراق عرض نمیکند با انتخاب چهل نفر پنجاه نفر اینجا خواهد داشت .

حاج آقا - فرمایشات آقای لسان الحکماء تمام صحیح است ولی نوشتن این ماده که انتخاب نمایندگان با اکثریت نسبی است باعث آن معاذیریکه فرمودند نمیشود سبب اینکه آن محظوریکه فرمودند فقط عدم اعتناء خود مردم بحقوق انتخابیه خودشان است یعنی اگر مردم ملتفت باشند که موقع انتخابات موقعی است که ملت باید از حقوق خود استفاده کنند در موقع انتخابات باید ورقه بگیرند آنکسیکه اطمینان دارد رای بدهد آن محظور دیگر وارد

رئیس - مقصود همین است ؟

لسان الحکماء - باید تمام موارد را بخوانند تا معلوم شود چون تمام مربوط بيك دیگر است و تمام راجع با انتخاب مستقیم است

رئیس - ولی ماده ۱۷ بهمین ترتیبی که خوانده شد مقصود همین بود .

لسان الحکماء - بله

لواء الدوله - این را که شاهزاده لسان الحکماء عنوان فرمودند گمان میکنم دیده باشم در کمره تقریباً ۶۰ هزار نفر جمعیت دارد از میان ۶۰

نمی آید ولی اگر بنا شد ملت بحقوق خودش بی نبرده باشد یا در موقع انتخاب بی اهتتائی بحقوق خودشان نکنند و همان هم سبب این شد که بعضی اعتقادشان این شد که انتخاب دو درجه باید در مملکت باشد اگر اینطور شد البته بدیهی است چه ما بنویسیم که انتخاب و کلاه اکثریت نسبی هست چه بنویسیم با اکثریت تمام است آن محظور واقع میشود بجهت اینکه در بلوچستان همان مثالی که فرمودند حق بکنند یادو نفر نماینده دارند در موقع انتخاب فرض بفرمائید که نوشتیم انتخاب نمایندگان با اکثریت تمام است آنوقت در موقع انتخاب اگر بنا شد که از این صد هزار نفر که حق انتخاب دارند ۵۰ نفر بیشتر نیابند ورقه تعرفه بگیرند بواسطه بی اهتتائی بحقوق خودشان و از آن ۵۰ نفر ۲۶ نفر در حق بکسی رای دادند البته این انتخاب اکثریت تمام است و آنوقت وکیل به ۲۶ رای انتخاب شده همان محظوری که در نظرشان است همان محظور و وارد است البته اگر وکیل هم با آنطوریکه در نظر ایشان است محل اطمینان مولکین خودشان باشند آن بنگام نمایندگی و بفلسفه نزدیک تر است و این محظوری که راجع باین ماده است و این ترتیبی که نوشته شده است فقط راجع باطلاع در حقوق خودشان است و عدم اطلاع و رعایت استفاده از انتخاب و عدم رعایت استفاده از انتخاب است .

اگر ما بخواهیم که این معاذیر بکلی رفع بشود نمایندگان بکسی بکسی وکالت می نشینند و از طرف ملت رای میدهند کسانی باشند که انفاص ملت و اطمینان ملت عقب سر آنها باشد و با اکثریت باشد باید سعی کنیم که در موقع انتخاب ملت ملتت بحقوق خودشان شده بیابند و تعرفه بگیرند و رای بدهند و در آن زمینه ما باید با اکثریت نسبی عمل کنیم بخصوص اگر عموماً آمدند و ورقه گرفتند آنوقت رعایت اکثریت تمام ممکن نیست زیرا خیلی اسباب اشکال و زحمت میشود اگر آمدند تعرفه گرفته هیچ محظور ندارد که بنویسیم با اکثریت نسبی باشد بسی کسانی که در این مقام هستند و وکلای ملت هستند باید سعی کنند که ملت در موقع انتخاب استفاده از حقوق خودشان بکنند

رئیس - گویا مذاکرات کافی باشد (گفتند کافی است) .

رئیس - اصلاحات آقای لسان الحکماء اگر خوانده میشد این محظور از یک آقای حاج آقا فرمودند رفع میشد این است قرائت میشود ماده العاقبه است

بنده ۱۷ (اصلاحات مزبور بمبارت ذیل قرائت شد) مواد العاقبه بجای ماده ۱۷ اینطور نوشته شود ماده ۱۷

افلا پنجاه يك جمعیتی که حق انتخاب نمایند دارند باید تعرفه بگیرند

رئیس - مقصود همین است ؟

لسان الحکماء - باید تمام موارد را بخوانند تا معلوم شود چون تمام مربوط بيك دیگر است و تمام راجع با انتخاب مستقیم است

رئیس - ولی ماده ۱۷ بهمین ترتیبی که خوانده شد مقصود همین بود .

لسان الحکماء - بله

لواء الدوله - این را که شاهزاده لسان الحکماء عنوان فرمودند گمان میکنم دیده باشم در کمره تقریباً ۶۰ هزار نفر جمعیت دارد از میان ۶۰

هر از نفر ۱۳۰ نفر ورقة معرفی گرفتند از میانه آن ۱۳۰ نفر تقریباً ۸۰ نفر رای دادند و اول کسیکه انتخاب شد ۲۲۹ رای انتخاب شد و در ۲۲ رای همه قسم تقلب ممکن است بکنند و برای خودش یارنی درست میکنند ولی در ۳۰۰ رای و ۴۰۰ رای خیلی اشکال دارد و امروز ترتیب انتخاب دو مرتبه با اکثریت تام باشد و مرتبه ۳ با اکثریت نسبی اگر غیر از این باشد حقوق جمعی ضایع خواهد شد

ذکاء الملک - اساساً این را اکثر کسی شاید منکر باشد که انتخاب نمایندگان خوبست با اکثریت تام باشد و مسلم است که اکثریت بهتر است آن دلائلی که گفته شد کافی است ولی این که کمیسیون با اکثریت نسبی قرارداد است فقط نظر باین بوده است که بهینیم که اکثریت تام فرار بدهیم چه نتیجه خواهد داشت در این ملک که اسباب نشر اخبار و اطلاعات خیلی کم است و مسائل نشر احکام خیلی ضعیف و مشکل است و مردم در امور سیاسی تازه کارند بخصوص در بعضی از قضاوت و بلوکات که درست بکفایت انتخاب بی نبرده اند اگر اکثریت تام اینجا قرار بدهیم کار چقدر مشکل خواهد شد در صورتی که می دانم که غالباً اتفاق می افتد که در انتخاب مرتبه اول اکثریت تام حاصل نمیشود یقیناً محتاج می شویم که دو مرتبه انتخاب تجدید کنیم و شاید باز اکثریت تمام حاصل نشود و با آن ترتیبی که میدانند که شاید در بعضی نقاط توان مردم فهمانند که برای چه تجدید انتخابات میشود و چرا دوباره باید بیاینه رای بدهند تصور بفرمایند چقدر اشکال خواهد داشت که دو مرتبه آنها را حاضر کنیم از برای دادن رای و یکمرتبه دیگر چطور بآنها مطلب را حالی کنیم در صورتیکه در دفعه ثانی هم ظن غالب اینست که اکثریت تمام حاصل نشود و محتاج بشویم بر مرتبه ثالث ما تصور کردیم که در واقع نتیجه این ترتیب این میشود که انتخابات بعمل نیامده که اسباب تاخیر انتخابات میشود اگر این محظورات را در نظر نداریم البته مدار را بر اکثریت تامه قرار میدادیم چنانچه فرمودند در اغلب جاها همین طور است دفعه اول با اکثریت تام است دفعه ثانی هم با اکثریت تام است اگر در دو مرتبه حاصل نشود در ثالث با اکثریت نسبی اکتفا میکنند ولی ما در اینجا نظر کردیم دیدیم که مردم در ترتیب سیاسی بصیر نیستند و در انتخابات تازه کارند ولی جاهای دیگر مسئله انتخابات را میدانند اشخاص را در نظر دارند که هر کس مکرر در عمر خودش انتخاب کرده است انتخاب دیده است نمایندگان سابق را میدانند نمایندگان لاحق را در نظر دارند و معطلی ندارند مثلا اینجا ملاحظه فرموده اند که تا ۵ روز بپردمهات داده ایم که بیاینه رای بدهند ولی در خارج رسمت کدر یک روز تمام رایهای های خودشان را باید بدهند و انتخابات یکروزه تمام شود و فردا هم بواسطه اعلان در روزنامهات همه بفهمند که نتیجه انتخابات دیروز چه شد چند نفر انتخاب شدند و آنها هم که اکثریت تام پیدا کردند چه اشخاصی بودند و هر یک چند رای داشتند و دولت هم فوری مردم در کمال سهولت اطلاع میدهد که مثلا شما که پنجم میخواستید انتخاب کنید برای

دو نفر اکثریت تمام حاصل شد و برای سه نفر اکثریت تام حاصل نشد باید بیاینه تجدید رای بکنید و همه مردم فوراً تکلیف خود رامینهند و همینکه دولت روز تجدید انتخاب را معین کرد فوراً تمام مردم حاضر میشوند و میروند رای میدهند اما در اینجا تصور بکنید که چه اندازه زحمت خواهد داشت که در قضاوت و دسات اینجا این امر را معمول بداریم علی الخصوص باین ترتیبیکه هست و بدانید خیلی مشکل است و مقصود اینست که اگر بخواهند آقایان بمانند که اکثریت تام خوب است میدانیم و حاجت به بیان نیست لکن اینرا هم تصدیق داریم که این رایورث کمیسیون معجلا نوشته شده است و بعضی نواقص دارد و اگر اعضاء کمیسیون متشابه بودند که اکثریت نسبی را مطلق و غیر محدود قرار بدهند و بگویند که منتخب کسی است که مثلا لافا لاری رای ربع آراء رای دهندگان بوده باشد و این را بنده تصدیق میکنم که چنین حدی قرارداد بهتر از اینست که اکثریت نسبی مطلق باشد اما تصور میکنم که اگر بخواهیم مقدماتی که مثل همه جای عالم اکثریت تام قرار بدهیم موفق بانخابات نخواهیم شد یا آنکه انتخابات بی اندازه تاخیر خواهد افتاد و برای اینکه مذاکره مختصر بشود عرض میکنم این ماده را دو مرتبه در کمیسیون نظر میکنیم و اگر دیدیم که اکثریت نام محظوری ندارد اکثریت تام قرار میدهیم و الا با یک حدی از برای اکثریت نسبی قرار میدهیم.

رئیس - تقاضا میکنید برگردد بکمیسیون؟

ذکاء الملک (مخبر) - بله.

رئیس - ماده ۱۸ قرائت میشود (ماده مزبور بعبارت ذیل قرائت شد) -

ماده ۱۸ - در صورت تساوی آراء بین دو یا چند نفر هر عده که محل حاجت باشد بچشم قرعه معین میشود.

رئیس - مخالفی نیست (اظهاری نشد).

ماده ۱۹ - ایلات عمده موافق حوزه بندی های قانون انتخابات هر کدام يك نماینده مستقیماً بصوت مجلس شورای ملی میفرستند.

حاج سید ابراهیم - بنده با این ماده بکلی مخالفم که ایلات عمده که فقط از حیث اهمیت حق يك نماینده بدهیم و بگوئیم که آنها مستقلاً بکنند بصوت مجلس شورای ملی میفرستند بجهت اینکه به تجربه معلوم کردیم از ترتیب انتخابات باید خود افراد استفاده کنند در ایلات این ترتیب فراهم نیست فقط اشخاصیکه میآیند بهجانب از طرف بعضی از رؤسا میآیند حق ملت داده است و هم استفاده از آنها میشود عمده بنده این است که اینجا باید ملحق کرد ایلات را بآن خاکسی که اختصاص بخودشان دارد که در تابستان در آنجا سکنی میکنند و باید اسم آن نقاط را بهریم که هم آنها میل بسکناي آنها میکنند و هم مثل اشخاصیکه آنها هستند يك حتی داشته باشند و قضاوت باین بود البته منافی باتمدن سکنی گرفتن است اگر این ترتیب را درین قرار بدهیم البته تشویق کرده ایم حال امنیت را تشویق بتمدن و سکنا کردن نکرده ایم چون در این نقاط کدر این قانون ذکر شده بود هر کدام يك جمع در يك خاکسی دارند و میشود آن خاک را که عده اش از چهار هزار و پنجاه هزار بیشتر است که با آن ایلات دیگر

صدهزار نفر میشوند اسم برده شود خیلی بهتر است و بقیه بنده باید این ماده بکلی از اینجا برداشته شود.

ذکاء الملک - در خصوص حوزه بندی و تقسیم آن و داخل کردن ایلات را در آنجاها که هستند بنده داخل مذاکره نمی شوم در حوزه بندی مذاکره خواهیم کرد که به چه ترتیب باید باشد اما اینکه میفرمائید که ایلات مستقلاً لازم نیست که در مجلس نماینده باشد و باید جز عسایر مردم رای بدهند گمان میکنم که این مسئله هنوز موقش نرسیده و بهتر این است که هر کدام از ایلات راساً بکنند نماینده از طرف خودشان داشته باشند و این ترتیب فوایدی داردی که همه میدانید نمیتوانیم از آن صرف نظر بکنیم البته ترتیب صحیح این است که در موقع انتخابات ملاحظه طایفه و صنف و طایفه و ایل نشود و عموم مردم بکسان در اینکار شریک باشند و یکمرتبه بیاینه رای بدهند ولی در ملک ما هنوز بعضی اقتضات هست که لازمه اش اینست که رعایت طایفه و ایل را بکنیم.

آقا سید حسین اردبیلی - بنده هم نظر بمقتضی امروز است که این ماده را مخالف هستم بواسطه اینکه اگر کیفیت امنیت را ملاحظه کنیم خیلی ایلات در نقاط ایران هستند و در غالب ایلات ایران چندین ایل سکنی دارند اگر ما بایم به تفصیل و تجربه قائل شویم و نسبت به بعضی از ایلات اهمیت بدهیم و نسبت به بعضی دیگر اهمیت ندهیم و بگوئیم که باید از ایل نماینده مخصوصی حاضر بشود این خودش باعث این میشود که جمعی کثیر از آنها میرنند و حقوق آنها ضایع میشود و اگر بخواهیم بطور عموم قائل بشویم که عموم ایلات نماینده مخصوصی بفرستند بیاینه ده یا زده ایل معظم هست و هر کدام آنها باید بکنند و کبیل بفرستند و این نمیشود اینست که بنده هم موافق هستم باین عقیده که حدودیکه ایلات هستند از يك نقطه تا نقطه دیگر باید آنها را يك حوزه تشکیل داد و آنها را هم دعوت کرد بانخابات و سعی نمود و حالی کرد بآنها که بیاینه از حقوق خودشان استفاده نمایند و انتخاب کنند منتهی در ضمن انتخاب این حوزه ها مصادف میشوند بآنکه در چند حوزه ایلاتیکه اکثریت دارند چند نفر با اکثریت آراء انتخاب شده بمانند نمایندگان ایل حاضر خواهد شد یعنی در واقع نماینده ایلات خواهیم داشت بدون اینکه تجزیه و تفکیک کرده باشیم بین آنها و اگر اینرا انحصار بدهیم به بعضی ایلات از قبیل ایل شاهسون یا ترا که با قشاقایی یا بختیاری آنوقت سایر ایلاتیکه هستند آنها هم بعضی هایشان اهمیت دارند از انتخاب محروم میشوند و حقوقشان تضییع میشود ولی آنطوریکه بنده عرض کردم که در آن حدودیکه آنها هستند يك حوزه تشکیل بشود در این صورت هم آنها از حقوق خودشان استفاده خواهند کرد و هم مجلس شورای ملی صاحب نمایندگان ایلات خواهند بود.

حاج وکیل الرعایا - برعکس نظرانی که برای ایلات و عشایر مذاکره شد که نماینده آنها مستقیم نباشد بنده تماماً را رد میکنم و عرض میکنم که امروز بخصوص تاجندی دیگر برای ما لازمست که در هر یک از ایلات نماینده مستقیمی در اینجا داشته

باشیم و آنچه را که سبب گرفتند برای نداشتن نماینده مستقیم از ایلات که بنده نمیخواهم بزبان بیآورم بنده میتوانم بایودن نماینده آنها در مجلس تکمیل بکنیم و آنها را خانه نشین بکنیم و می توانیم آنها را دارای تمدن شهری بکنیم که در این ملک هر یک از آنها دارای خانهها باشند و بنده گمان میکنم که نباید در اینصورت اقسام خورده بینی کرد و به بعضی ایلاتیکه صد هزار نفر هم نیستند بآنها هم باید نماینده داد تا اتفاق کلی حاصل شود و بدانند که نتیجه مذاکرات مجلس هم اش بخود آنها عاید میشود و اینها هم که اینجا نشسته اند غیر از مصالح آنها چیز دیگری را در نظر نگرفته اند و آنها را هم بی خبر نگذاریم از مصلحت خودشان چنانچه امروزه يك قدری تخفیف شده است و چون آن در ماده اول نگذشته است و هنوز عمده نمایندگان معنوم نیست اگر آن مذاکره شده بود بنده مسلماً این را بايك توضیحات مفصلی عرض میکردم که هر کدامشان که معروفیت دارند ولو اینکه صدهزار نفر هم نیستند باید يك نماینده بآنها داد و نماینده آنها را آورد اینجا تا مصالح خودشان را بدانند و بجمع منافع خودشان آگاه شوند و بایک اتحاد آنها هم با ما کار بکنند.

رئیس - مذاکرات در این ماده کافی نیست (گفتند کافی است) (ماده ۲۰ بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۰ - در يك حوزه انتخابیه که چندین نقطه آن در انتخابات شرکت دارند هر گاه در مدت معین بعضی از آن نقاط انتخاب خود را بعمل بیاورند حق انتخاب آنها ساقط میشود و انتخابات سایر نقاط آن حوزه معتبر است.

حاج سید ابراهیم - بنده گمان میکنم که اینجا يك لفظی افتاده است و آن اینست که در مدت معین که از طرف مرکز حوزه همین طور مهم نگذارند این را باید حوزه معین بکنند.

ذکاء الملک - در موقع شور تالی اصلاح میشود

رئیس - دیگر مخالفی نیست (گفتند خیر) (ماده ۲۱ بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۱ - هر یک از انتخاب کنندگان زیادتر بر یکمرتبه حق رای دادن ندارند مگر در صورتی که تجدید انتخاب لازم شود.

رئیس - در ماده ۲۱ مخالفی نیست؟ (گفتند خیر) (ماده ۲۲ بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۲ - انتخاب کنندگان مجبور نیستند حتماً از ساکنین محل خود انتخاب کنند.

رئیس - در ماده ۲۲ مخالفی هست (گفتند خیر) (بعبارت ذیل قرائت شد) بنده پیشنهاد میکنم که ماده ۲۲ الحاق شود و لکن باید لافا ل دو سال در حوزه انتخابیه خود توقف نموده باشند که بصیرت تامه بواسطه آنها داشته باشند.

رئیس - فرستاده میشود بکمیسیون - (ماده ۲۳ بعبارت ذیل قرائت شد) (فصل ۶ کیفیت دادن تعرفه برای تشخیص انتخاب کنندگان) ماده ۲۳ - انجمن نظارت اعلان مراتب نموده بناسبت اهمیت محل از پنجروز الی یکماه قبل از موعد انتخاب اشاعه میدهد.

حاج سید ابراهیم - يك كلمه خوبست اضافه شود از پنجروز الی یکماه به تعیین انجمن نظارت باید مدت را انجمن معین کند.

ذکاء الملک - معلوم است که انجمن نظارت اعلان را مرتب میکند و همین طور نوشته شده است.

بجهت - در یکی از مواد سابق مذاکره شد که تقاطعی که در يك حوزه انتخابیه هستند که شراکت در انتخاب دارند اگر یکی از نقاط مسامحه کرد و در این مدتیکه معین شده است عمل انتخابات خودش را بجا نیاورد از این انتخابات محروم است حالا اینجا میگویند انجمن نظارت اعلان و تعیین میکند برای اهل محل که يك ماه قبل از موعد حاضر شوند و تعرفه بگیرند این انجمن نظارتی که اینجا ذکر میشود مقصود انجمن نظارت مرکز است یا انجمن نظارت جزء است اگر انجمن نظارت مرکز باشد باید قید بشود بعلت اینکه ممکن است در يك محل حکومت بالکلیه انجمن نظارت آن جا را تشکیل ندهند انجمنهای نظارت جزء اگر تکلیف خودشان را در مدت يك ماه بجا نیاورند چه میشود آن اعلان را کی میکند انجمن نظارت هم که هنوز تشکیل نشده است اهل آن محل هم که تقصیر ندارند پس عقیده بنده این است که باید قید بشود که اعلان انتخابات در دو نقطه شروع میشود یکی از انجمن نظارت مرکزی که تمام انجمنهای جزء اطلاع میدهند که باید شروع بکنند با انتخابات آن وقت حکومت آن محل بموجب آن اعلانی که انجمن نظارت مرکزی داده است شروع میکنند به تعیین انجمنهای نظارت جزء انجمنهای نظارت جزء تشکیل شد يك اعلانی میکنند برای اهل محل والا بنا این شکل که ما میتوسیم تکالیف نقاط جزء هیچ معلوم نمیشود و ممکن است از انتخابات محروم بمانند.

ذکاء الملک - این را چه باینستکه توضیح شود که مقصود کدام انجمن نظارت است و این توضیح را خواهیم کرد.

رئیس - دیگر مخالفی نیست (گفتند خیر) (ماده ۲۴ بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۴ - اعلان مذکور مطالب ذیل را دارا خواهد بود (۱) شرایط انتخاب کنندگان و انتخاب شوندگان (۲) محل و اوقاتی را که انجمن نظارت یا شعب آن ورقة تعرفه خواهد داد (۳) مکان و زمانیکه انجمن نظارت برای اخذ رای حاضر خواهد بود (۴) عمده نمایندگان را که صاحبان تعرفه باید منتخب نمایند.

رئیس - در ماده ۲۴ مخالفی هست (مخالفی نیست ماده ۲۵ خوانده میشود) (بعبارت ذیل قرائت شد) ماده ۲۵ - اشخاصیکه شرایط انتخاب کردن را دارا هستند اگر در ظرف مدتی که انجمن نظارت بجهت گرفتن تعرفه معین نموده است تعرفه نگیرند در آن انتخابات حق آنها ساقط است.

رئیس - در ماده ۲۵ ایرادی هست؟

بجهت - فقط باید اصلاح شود بانخابات بجهت اینکه شاید در بعضی نقاط محتاج شویم و این لفظ شامل آن ها میشود باینجهت باید بگوئیم یا انتخابات.

رئیس - دیگر مخالفی نیست (مخالفی نبود) ماده ۲۶ بعبارت ذیل خوانده شد) ماده ۲۶ - تعرفه که با انتخاب کنندگان داده میشود مخصوص فقرات ذیل خواهد بود (۱) نمره و تاریخ (۲) اسم دارنده تعرفه و اسم پدر او (۳) شغل و منزل او (۴) زمان و مکانیکه دارنده تعرفه باید حاضر شده و رای خود را بدهد (۵) ساعت افتتاح و اختتام مجلس انتخاب (۶) مهر یا امضاء اعضای انجمن نظارت.

رئیس - در ماده ۲۶ مخالفی هست و کسی مخالف نیست ماده ۲۷ خوانده میشود. (بعبارت ذیل خوانده شد) ماده (۲۷) انجمن نظارت یا شعب آن تمام تعرفه ها را که میدهد بر ترتیب نمره در کتابچه مخصوص ثبت خواهد کرد.

رئیس - ماده بیست و هفتم مخالفی ندارد (اظهار شد خیر) (ماده ۲۸) بعبارت ذیل قرائت شد) فصل نهم در اخذ و استخراج آراء و تعیین انتخابات شدگان ماده (۲۸) بناسبت اهمیت محل مدت اخذ رای از يك الی پنج روز خواهد بود یعنی انجمن نظارت ویس از اقتضای موردی که انجمن نظارت برای اخذ رای معین میکند دیگر ورقة رای از کسی قبول نخواهد کرد.

حاج آقا - چون تمام آقایان میدانند که اشخاصیکه تعرفه گرفته اند از آن زمانیکه معین شد است برای گرفتن تعرفه بجهت دادن رای غالباً دیده اند که هم در آن زمان مردم کمتر میآیند و تعرفه میگرفتند و هم در موقع دادن رای چون ما مقصودمان این است که همه مردم حقوق خودشان را استفاده کنند باینجهت بنده خواهش میکنم که کمیسیون مدت این را قدری زیادتر بکنند بجهت اینکه مدت کم است و اشخاصیکه میآیند تعرفه میگیرند در موقع رای دادن کمتر میآیند رای بدهند و برای این که کسانی که تعرفه گرفته اند بتوانند حاضر شوند رای بدهند کمیسیون قدری زمانش را امتداد بدهد بهتر است.

رئیس - کتابچه پیشنهاد کنید بفرستید قرائت میشود و بکمیسیون فرستاده میشود.

افتخار الواعظین - گویا اشخاصیکه تعرفه گرفته باشند برای رای دادن خودشان پنج روز کافی باشد و اینکه آقای حاج آقا فرمودند بموجب است با اطلاع یا عدم اطلاع مردم بعقود خودشان والا اگر کسی کاملاً از خودش را بداند و تعرفه گرفته باشد در عرض پنج روزی که معین شده است البته بانجمن نظار خواهد آمد و ورقة رای خواهد داد.

رئیس - گویا مذاکره در اینباب کافی باشد (گفتند کافی است) (ماده ۲۹ بعبارت ذیل قرائت شد) ماده (۲۹) دادن رای باید مخفی باشد و از اینجهت باید دارنده تعرفه قبل از دخول بحل انتخاب اسم يك یا چند نفر منتخبین خود را مطابق عمده که اعلان شده است روی کافسفیید بی نشان نوشته لوله کرده یا خود داشته باشد.

رئیس - در ماده ۲۹ مخالفی نیست (اظهار شد خیر) (ماده ۳۰ بعبارت ذیل قرائت شد) (

